

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۲)

رشته های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



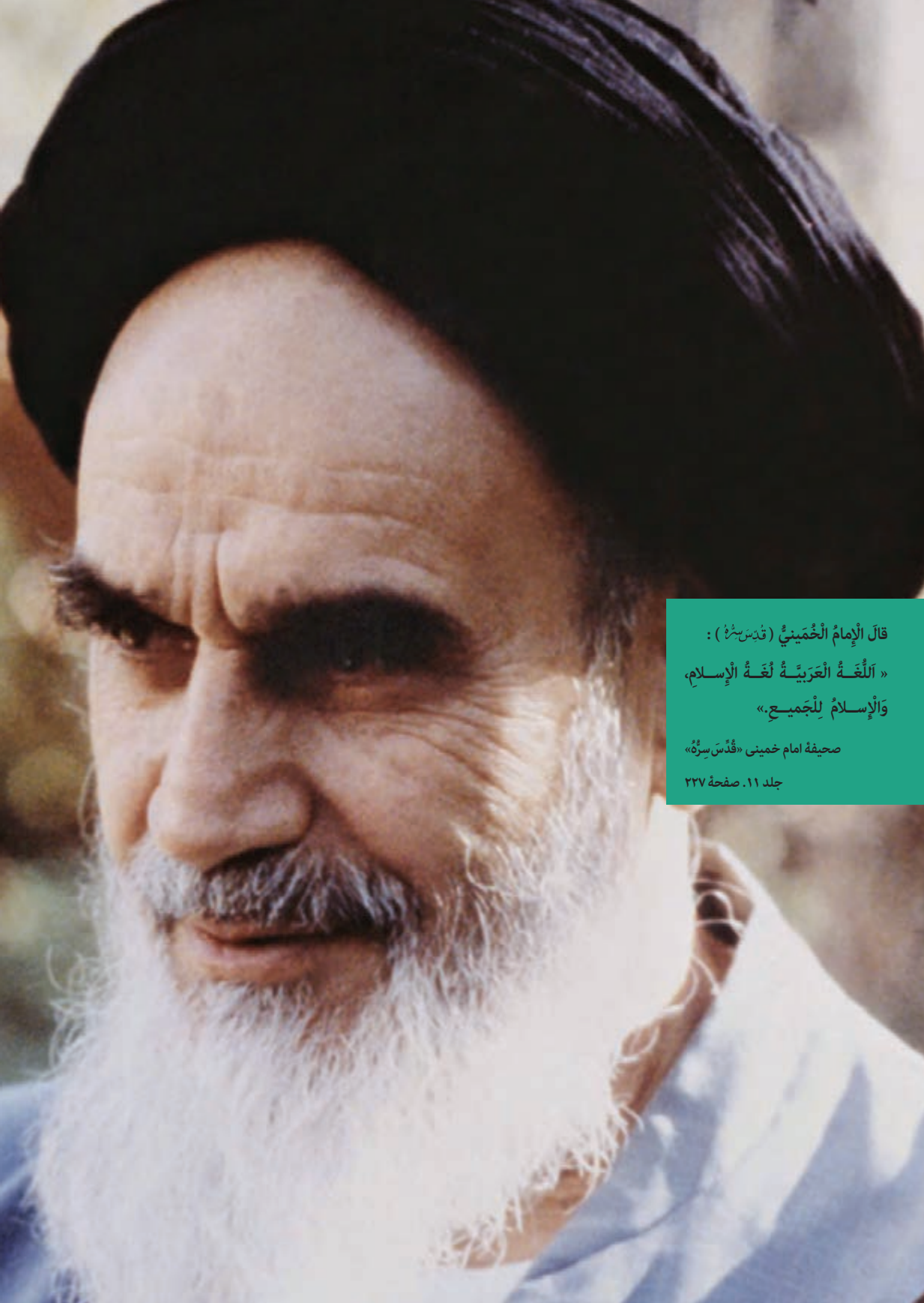


وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۶
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلیری و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد و الهه یعقوبی‌نیا (صفحه‌آرا) - محمد مهدی ذبیحی فرد (طراح جلد) - آزاده امینیان (تصویرگر) - حسین چراغی، علیرضا ملک‌ان، فاطمه پزشکی و مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
- نشانی سازمان: تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
- وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ دهم ۱۴۰۵

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۶۶-۵

ISBN: 978.964.05.2766.5



قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِي (قُدْسِ سِرُّهُ) :
« أَلَلُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْإِسْلَامِ ،
وَالْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ » .

صحيفة امام خميني «قُدْسِ سِرُّهُ»

جلد ۱۱ . صفحه ۲۲۷

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکتیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

أَلْفَهْرَسُ

بیش گفتار الف

أَلَدْرُسُ الْأَوَّلُ ١

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ + حِوَارٌ فِي السُّوقِ -----

أَلَدْرُسُ الثَّانِي ١٩

فِي مَخْضَرِ الْمُعَلِّمِ + أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ -----

أَلَدْرُسُ الثَّالِثُ ٣٣

عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + أَلْمَعْرِفَةُ وَ النِّكَرَةُ + حِوَارٌ فِي الْمَلْعَبِ -----

أَلَدْرُسُ الرَّابِعُ ٤٩

آدَابُ الْكَلَامِ + أَلْجُمْلَةُ بَعْدَ النِّكَرَةِ -----

أَلَدْرُسُ الْخَامِسُ ٦٣

أَلْكُذْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١) + حِوَارٌ فِي الصَّيْدَلِيَّةِ -----

أَلَدْرُسُ السَّادِسُ ٧٥

أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلَ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢) -----

أَلَدْرُسُ السَّابِعُ ٨٩

تَأْثِيرُ اللَّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ + حِوَارٌ فِي

الْمَسْجِدِ

پیش‌گفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس، یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.

۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.

۳. کتاب معلم را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۲) کتاب مشترک دو رشته علوم تجربی و ریاضی و فیزیک به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و آیات آسان قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

همه کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی پایه هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است.

هدف اصلی، فهم متون عربی به‌ویژه قرآن کریم و نیز فهم متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکيدات درباره شیوة تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد.

۲ دانش‌آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُوکُنَّ الصَّغِيرُ»، هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت خوانی.

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است).

عددهای اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد معدود و ویژگی‌های آن) و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم، تشخیص و ترجمه فعل مجهول، نون وقایه، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه.

تشخیص محلّ الإعرابی یعنی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف الیه، جار و مجرور؛ اما تشخیص اعراب (اصلی و فرعی) هدف نیست.

در این کتاب، تشخیص نوع باب و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی نیست.

دانش‌آموز باید «تَمَّ» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن، درست ترجمه کند: خَرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ و اسْتَخْرَجْتُمْ.

در کل کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان، کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۳ متن درس اول، بخشی از آیات اخلاقی قرآن (آیات ۱۱ و ۱۲ سورة حُجُرَات) است. قواعد درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. در تمرینات اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه که در سال گذشته آموزش داده شده دوباره تکرار شده است.

۴ موضوع متن درس دوم، احترام نهادن به کلاس و معلّم است. قواعد درباره اسلوب شرط است. دانش‌آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، مَا، إِنْ و إِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزم جزء اهداف نیست.

۵ موضوع متن درس سوم، شگفتی‌های درختان است. اندیشیدن پیرامون آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده، با توجه به سنّ پر جوش و خروش جوانی دانستی‌هایی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس شود. قواعد درس درباره ترجمه درست اسم معرفه و نکره است. از شش نوع اسم معرفه، فقط دو نوع توضیح داده شده که مهم‌ترین آنهاست؛ (معرفه به ال و عَلَم).

۶ موضوع متن درس چهارم، آداب سخن گفتن است. آداب سخن گفتن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان

دین برای دانش‌آموز شرح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو، تنها مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب، برنامهٔ پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیر مستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است.

دانش‌آموز در بخش قواعد با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. **۷** متن درس پنجم، داستانی در نکوهش دروغ‌گویی است. این داستان برای دانش‌آموزان آراسته به سخنان بزرگان دین است و در آن از شیوهٔ آموزش غیر مستقیم استفاده شده، روشی که بنا به باور متخصصان حوزهٔ تعلیم و تربیت مؤثرترین روش تربیتی است.

در قواعد این درس، معانی حروف «أَنْ» و «كَيْ، لَمْ، لَمْ، لَمْ» و «كَيْ، لَمْ، لَمْ» آموزش داده شده است. نصب فعل مضارع، از اهداف نیست. لذا از آن سؤال طراحی نمی‌شود. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَأْسَ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند.

۸ متن درس ششم، دربارهٔ شادروان دکتر بانو آنه ماری شیمیل است. شخصیتی جهانی که در شناساندن فرهنگ و ادبیات فارسی و نیز عربی به جهانیان نقشی شگفت‌انگیز داشته است. قواعد درس، دربارهٔ معانی حروف «لَمْ، لَمْ، لَمْ» و «لَمْ، لَمْ، لَمْ» است. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْمَعْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل، از اهداف نیست. **۹** متن درس هفتم، دربارهٔ تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش‌آموزان و دبیران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. از بخش «للمطالعه» سؤال امتحانی طرح نمی‌شود. کتاب‌های بسیاری دربارهٔ معرّبات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارَسِيَّةِ مِنْذُ بَوَاكِرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. مُحَمَّدُ التَّوْنُجِي. مكتبة لبنان ناشرون.
ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال‌الدین السیوطی (برگردان محمدجعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار.
واژه‌های دخیل در قرآن مجید. آرتور جفری (برگردان فریدون بدره‌ای). توس.
الْمُهَذَّبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ. جلال‌الدین السیوطی. مكتبة مشكاة الإسلامية.
قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ربطی «كَانَ، صَارَ، كَيْسَ وَ أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها آشنا می‌شود.

۱۰ نیازی به ارائهٔ جزوهٔ مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه در این باره لازم بوده در کتاب آمده است، یا سال بعد خواهد آمد.

۱۱ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب درسی اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند.

۱۲ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دورهٔ اوّل متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هَوَ، هُمَا، هُم، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمَا، أَنْتَنْ، أَنَا، نَحْنُ».

شیوهٔ نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بوده است و دانش‌آموزان درس را بهتر آموخته‌اند.

۱۳ تبدیل «مذکر به مؤنث»، یا «مخاطب به غیر مخاطب»، یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۴ معنای کلمات در امتحان داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب درسی، معنای کلمه، بیرون از جمله است؛ اما جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی شیوه طرح آن، همراه با یک نمونه ارائه شده است.

۱۵ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمونه شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۶ در کتاب به اندازه کافی جا برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است، تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. تنها متن درس جای کافی برای نوشتن ندارد که با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود.

۱۷ کلمات جدیدی که معنای آنها در پاورقی آمده است در آزمون‌ها طرح می‌شوند.

۱۸ از همکاران ارجمند خواستاریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند.

برای همه همکاران آرزوی موفقیت داریم.

اگر تمایل دارید از نظرات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق رمزینه سریع پاسخ پیغام بگذارید.



نظر سنجی کتاب درسی

سخنی با دانش آموز

عربی را می آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث، دعا و زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی پرمعنا و قوی است؛ و کتاب های بسیاری از دانشمندان به این زبان نوشته شده است.

این کتاب ادامه چهار کتاب پیشین است. هرچه در چهار سال گذشته آموخته اید در متون، عبارات و تمرین های این کتاب تکرار شده است. **ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست** و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می توانید متون را ترجمه کنید.

استفاده از کتاب کار توصیه نمی شود. در کتاب هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای مسابقات طراحی می شود، موارد بسیاری می آید که از اهداف آموزشی زبان آموزی نیست. در آزمون هایی نیز که مؤسسات مختلف برگزار می کنند بسیاری از سؤالات خارج از اهداف آموزشی است و جنبه معما دارد، یا اینکه حجمش آن قدر زیاد است که دانش آموز در پاسخ دهی وقت کم می آورد. لذا اگر در چنین آزمون هایی شرکت می کنید شایسته است بدانید از نظر اصول آموزش زبان، نه تنها مورد تأیید نیستند بلکه خلاف اهداف نیز هستند و موجب ناامیدی و دلسردی می شوند.

برای یادگیری هر زبانی تکرار و تمرین لازم است. اگر می خواهید در درس عربی موفق تر باشید، متون و واژگان درس ها را پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید، درست بفهمید و درست ترجمه کنید، خود به خود می توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ شما می توانید از آیات و احادیث کتاب های درسی عربی در سخنرانی، انشا و مقاله نویسی استفاده کنید.

«کتاب گویا» نیز برای پایه تحصیلی یازدهم تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید. ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین ها در کلاس به صورت گروهی است.

سخنی ویژه با مدیران مدارس

این کتاب نیازی به کتاب کار ندارد و تهیه کتاب کار موجب لطمه به روند آموزشی خواهد گردید. اگر مدرسه شما ساعت اضافه برای درس عربی اختصاص داده، بهتر است که این زمان صرف تقویت مهارت های شفاهی زبان شود.

که را ز ستوبی بود سرشت نیند ز طاووس جز پای زشت

(سعدی)



الذَّرسُ الْأَوَّلُ



﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾ الْحُجُرَات: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید.

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ^٢ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَوْ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ الْحُجُرَات: ١٢ و ١١



١- چه بد است نامیدن [افراد] به گناه پس از ایمان آوردنشان و کسانی که توبه نکنند، در این صورت آنان ستمگرند.

٢- از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید.



قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا،

فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَأَنْ لَا نَذْكُرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.

فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ».

تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَتَقُولُ:

لَا تَعِيبُوا الْآخَرِينَ. وَ لَا تَلْقُبُوهُمْ بِأَلْقَابٍ يَكْرَهُونَهَا.

بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ وَ لَمْ يَتُبْ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

اَلْمُعْجَم

اتَّقِ	پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي) إِتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید	سَخِرَ مِنْ لَا يَسْخَرُ:	مسخره کرد (مضارع: يَسْخَرُ/ مصدر: سُخْرِيَّة) نباید مسخره کند
إِثْمٌ	گناه = ذَنْبٌ	عَابَ	عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (مضارع: يَعِيبُ)
إِغْتَابَ	غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ) لَا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند	عُجِبَ	خودپسندی
أَنْ يَكُنَّ	که باشند (كَانَ، يَكُونُ)	عَسَى	شاید = رُبَّما
أَنْ يَكُونُوا	که باشند (كَانَ، يَكُونُ)	فُسُقَ	آلوده شدن به گناه
بَعْضٌ ... بَعْضٌ	یکدیگر	قَدْ	گاهی، شاید (بر سر مضارع) «قَدْ يَكُونُ: گاهی می‌باشد» / بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.
بِئْسَ	بد است	كَرِهَ	ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)
تَابَ لَمْ يَتُبْ:	توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ) توبه نکرد	لَحِمَ	گوشت «جمع: لُحُوم»
تَجَسَّسَ	جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ)	لَقَّبَ	لقب داد (مضارع: يُلقِّبُ)
تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ	به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)	لَمَزَ:	عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)
تَوَابَ	بسیار توبه پذیر، بسیار توبه‌کننده	مَيِّتَ	مُرد = مَيِّت «جمع: أَمْوات، مَوْتَى» ≠ حَيٌّ
خَفِيَ	پنهان ≠ ظاهر		



إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

■ اسم تفضیل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» است.

اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ مثال:

گبیر: بزرگ أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین حَسَن: خوب أَحْسَن: خوب‌تر، خوب‌ترین

آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپَا. آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

آسیا أَكْبَرُ قَارَةٍ فِي الْعَالَمِ. آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.



جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.



أكبرُ العيبِ، أَنْ تَعِيبَ ما فِيكَ مثلهُ. الإمامُ عليُّ عليه السلام

بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

■ گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَعْلَى: بلندتر، بلندترین أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین

أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین أَقَلُّ: کمتر، کمترین

■ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید؛ مثال:

فاطمةُ الْكُبْرَى: فاطمه بزرگ‌تر، زَيْنَبُ الصُّغْرَى: زینب کوچک‌تر

«اسم تفضیل» در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می‌آید؛

مثال: فاطمةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب.



■ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مثال:

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (أَرَادِل جمع أَرْدَل و أَفَاضِل جمع أَفْضَل است).

■ هرگاه بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ ...)، معنای «برتر» دارد؛ مثال:

هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ. این از آن بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای «برترین» دارد؛ مثال:

سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

۱ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

۲ أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ^۳ مَعَ إِيمَانٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

■ دو کلمه «خَيْر» و «شَر» علاوه بر اینکه به معنای «خوبی» و «بدی» هستند، می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند؛ در این صورت، معمولاً بعد از آن حرف جرّ «مِنْ» است، یا به صورتِ «مُضَاف» می‌آید؛ مثال:

۱ خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَأَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ. الْإِمَامُ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ

بهتر از خوبی انجام دهنده‌اش است و زیباتر از زیبا گوینده‌اش می‌باشد.

۲ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

۳ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بهترین کارها میانه‌ترین آنهاست.

۴ حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

به سوی بهترین کار بشتاب.

١ ﴿... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ١٠٩

٢ خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣ شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

٤ ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ الْقَدَر: ٣



■ اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن **مَفْعَل** و گاهی بر وزن **مَفْعِل** و **مَفْعَلَة** است؛ مثال:

مَلْعَب: ورزشگاه مَطْعَم: رستوران مَصْنَع: کارخانه مَطْبَخ: آشپزخانه
مَوْقِف: ایستگاه مَنْزِل: خانه مَكْتَبَة: کتابخانه مَطْبَعَة: چاپخانه

■ جمع اسم مکان بر وزن «**مَفَاعِل**» است؛ مانند: مَدَارِس، مَلَاعِب، مَطَاعِم و مَنَازِل.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱ ﴿... وَ جَادِلْهُمْ^۱ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ^۲ عَنْ سَبِيلِهِ...﴾

النَّحْل: ۱۲۵

۲ ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ الْأَعْلَى: ۱۷

۳ كَانَتْ مَكْتَبَةً «جُنْدِي سابور» فِي خَوْزِسْتَانِ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.



۱- جَادِلْ: بحث کن ۲- ضَلَّ: گمراه شد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (في السوق)

الزائِرَةُ	بائعُ المَلابِسِ
سَلَامٌ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكَ.
كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ؟	سِتُونَ أَلْفَ دِينَارٍ.
أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.	عِنْدَنَا بِسِعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ دِينَارٍ. تَفَضَّلِي.
أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟	أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَزْرَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بَنَفَسَجِي.
بِكَمْ سِعْرٍ هَذِهِ الْفُسَاتِينُ؟	تَبْدَأُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ دِينَارٍ.
الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ!	أُخْتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ. ^٢

رَجَاءُ، أَعْطِنِي قَمِيصاً مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ...
كَمْ أَدْفَعُ؟

صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَّتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ دِينَارٍ.
إِدْفَعِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ^٢ مِئَّتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفاً.



١- دَفَعَ: پرداخت کرد (مضارع: يَدْفَعُ = پرداخت می کند)

٢- تَخْفِيفُ: تخفیف

التمرين الأول: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

٢- مَنْ سَاءَ^١ خُلُقُهُ عَذَّبَ^٢ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)

٣- اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ^٣ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَ فِعْلُ الْأَمْرِ)

٤- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ^٤ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارُّ وَالْمَجْرُورُ)



١- ساءَ: بد شد ٢- عَذَّبَ: عذاب داد ٣- حَسَّنْتَ: نیکو گردانیدی ٤- ميزان: ترازو (ترازوی اعمال)

التمرین الثانی: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الماضي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصْدَرُ
قَدْ أَحْسَنَ:	يُحْسِنُ: نیکی می کند	أَحْسِنْ:	إِحْسَان: نیکی کردن
إِفْتَرَبَ: نزدیک شد	يَفْتَرِبُونَ:	لَا تَقْتَرِبُوا:	إِفْتِرَاب: نزدیک شدن
إِنْهَزَمَ:	سَيَنْهَزِمُ:	لَا تَنْهَزِمُ: شکست نخور	إِنْهَازَم: شکست خوردن
اسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَغْفِرُ:	اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه	اسْتِغْفَار:
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ:	لَا تُسَافِرْ:	مُسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ:	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمْ:	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ:	تَتَبَادَلُونَ:	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُل: عوض کردن
قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است	سَوْفَ يُعَلِّمُ:	عَلِّمْ:	تَعْلِيم: آموزش دادن

التَّحْرِيكِ الثَّالِثُ: اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ:

١- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةً عَشَرَ. $10 + 4 = 14$

٢- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

٣- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ.

٤- سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ.

التَّحْرِيكِ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةِ.

١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ٢٦

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٨٦

٣- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فَضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَالْجَمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَاسْمَ الْمَفْعُولِ، وَاسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَاسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

١- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾ الشُّعْرَاءُ: ٢٨

٢- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ الْمَائِدَةُ: ١٠٩

٣- ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ يَس: ٥٢

٤- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

٥- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

٦- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ.

٧- يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ.

التمرين السادس: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- صَبَاح ☐ مَسَاء ☐ لَيْل ☐ مَيِّت ☐
- ٢- عُجْب ☐ لَحْم ☐ فُسُوق ☐ إِثْم ☐
- ٣- سَخِرَ ☐ عَابَ ☐ سَاعَدَ ☐ لَمَزَ ☐
- ٤- أَحْمَرَ ☐ أَحْسَنَ ☐ أَجْمَلَ ☐ أَصْلَحَ ☐
- ٥- أَصْفَرَ ☐ أَرْزَقَ ☐ أَبْيَضَ ☐ أَكْثَرَ ☐

التمرين السابع: ضَعِ فِي الْفُرَاقِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- اشْتَرَيْنَا وَ فَسَاتَيْنَ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي السُّوقِ.
- سَرَاوِيلَ ☐ أَشْهُرًا ☐ مَوَاقِفَ ☐
- ٢- مَنْ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِمْ.
- إِغْتَابَ ☐ اتَّقَى ☐ مَدَحَ ☐
- ٣- خَمْسَةٌ وَسِتُّونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَعِشْرِينَ يُسَاوِي
- إِثْنَيْنِ وَأَرْبَعِينَ ☐ إِثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ ☐ أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ ☐
- ٤- أَرَادَ الزَّائِرُ السَّعْرِ.
- نَوْعِيَّةَ ☐ مِيزَانَ ☐ تَخْفِيفَ ☐



(لِلتَّمَرِينَ فِي الْمَنْزِلِ) اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ.



- | | | |
|---|---|---|
| ☐ مَصْنَع | ☐ مَصْنَع | ١- مَكَانٌ كَبِيرٌ تُصْنَعُ فِيهِ الْأَشْيَاءُ بِوَاسِطَةِ الْأَلَاتِ وَالْعُمَالِ. |
| ☐ تَنَابُزٌ | ☐ تَنَابُزٌ | ٢- اِعْتِقَادٌ غَيْرُ مُؤَكَّدٍ عَنِ شَيْءٍ مَا بَيْنَ الشَّكِّ وَالْيَقِينِ. |
| ☐ عَدَاوَةٌ | ☐ عَدَاوَةٌ | ٣- الْكَرَاهَةُ وَالْخُصُومَةُ بَيْنَ شَخْصَيْنِ أَوْ جَمَاعَتَيْنِ. |
| ☐ رَخِيسٌ | ☐ رَخِيسٌ | ٤- الْقِيمَةُ النَّقْدِيَّةُ الَّتِي تُدْفَعُ مُقَابِلَ شِرَاءِ شَيْءٍ. |
| ☐ سَكِينَةٌ | ☐ سَكِينَةٌ | ٥- الْخُرُوجُ عَنِ أَمْرِ اللَّهِ وَالْقَوَانِينِ الشَّرْعِيَّةِ. |
| ☐ لَاعِبٌ | ☐ لَاعِبٌ | ٦- مَكَانٌ لِلْعِبِّ وَاللِّرْيَاضَةِ مِثْلُ كُرَةِ الْقَدَمِ. |
| ☐ سَبْعَةٌ | ☐ سَبْعَةٌ | ٧- عِشْرُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي |
| ☐ مَفَاعِلٌ | ☐ مَفَاعِلٌ | ٨- مَا هُوَ وَزْنُ الْجَمْعِ لِلِاسْمِ الْمَكَانِ؟ |
| ☐ سِتَّةَ عَشَرَ | ☐ سِتَّةَ عَشَرَ | ٩- ثَمَانِيَّةٌ فِي اثْنَيْنِ يُسَاوِي |
| ☐ مُرْسَلٌ | ☐ مُرْسَلٌ | ١٠- الشَّخْصُ الَّذِي أُرْسِلَ فِي مُهِمَّةٍ. |
| ☐ رِجَالٌ | ☐ رِجَالٌ | ١١- كَلِمَةٌ مُفْرَدُهَا مِنْ غَيْرِ لَفْظِهِ. |
| ☐ أَزْرَقٌ | ☐ أَزْرَقٌ | ١٢- لَوْنُ السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ وَالْبَحْرِ. |
| ☐ تَخْفِيزٌ | ☐ تَخْفِيزٌ | ١٣- تَقْلِيلُ سِعْرِ شَيْءٍ فِي الْبَيْعِ. |
| ☐ مِيزَانٌ | ☐ مِيزَانٌ | ١٤- أَدَاةٌ لِمَعْرِفَةِ وَزْنِ الْأَشْيَاءِ. |
| ☐ مُحْسِنٌ | ☐ مُحْسِنٌ | ١٥- أَيُّ كَلِمَةٍ اسْمُ الْمَفْعُولِ؟ |
| ☐ ذَنْبٌ | ☐ ذَنْبٌ | ١٦- مُتَرَادِفٌ لِكَلِمَةِ «ذَنْبٌ»؟ |
| ☐ جُهَّالٌ | ☐ جُهَّالٌ | ١٧- أَيُّ كَلِمَةٍ اسْمُ الْمُبَالِغَةِ؟ |
| ☐ غَفَّارٌ | ☐ غَفَّارٌ | ١٨- طَلَبُ الْمَغْفِرَةِ مِنَ اللَّهِ. |
| ☐ رَاحِمٌ | ☐ رَاحِمٌ | ١٩- أَيُّ كَلِمَةٍ اسْمُ الْفَاعِلِ؟ |
| ☐ كَبَائِرٌ | ☐ كَبَائِرٌ | ٢٠- مَا هُوَ جَمْعُ «أَكْبَرُ»؟ |

■ اِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ اَسْمَاءٍ تَفْضِيْلٍ مِنْ دُعَاءِ الْاِفْتِتَاحِ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَفْتِیْحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَ اَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ، وَ اَیْقَنْتُ اَنْتَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ فِی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ اَشَدُّ الْمُعَاقِبِیْنَ فِی مَوْضِعِ التَّكَالِ وَ النَّقْمَةِ، وَ اَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِیْنَ فِی مَوْضِعِ الْكِبْرِیَاءِ وَ الْعُظْمَةِ.

خدایا، من با سپاسگزاری از تو ستایشت را آغاز می‌کنم و تو با مهرورزی‌ات رهنمون به راه درست هستی. باور کردم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی مهربان‌ترین مهربانانی و در جایگاه کفر و انتقام، سخت‌ترین کفر دهندگانی و در جایگاه بزرگ‌منشی و بزرگواری، بزرگ‌ترین نیرومندانی.

اَللّٰهُمَّ اَذْنَتْ لِيْ فِی دُعَائِكَ وَ مَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ یَا سَمِیْعُ مِدْحَتِیْ، وَ اَجِبْ یَا رَحِیْمُ دَعْوَتِیْ، وَ اَقِلْ یَا غَفُوْرُ عَثْرَتِیْ، فَكَمْ یَا اِلٰهِيْ مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَ هُمُوْمٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَ عَثْرَةٍ قَدْ اَقْلَتَهَا، وَ رَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَ حَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا!

خدایا، در فراخواندنت و در درخواست از خودت به من اجازه دادی، پس ای شنوا ستایشم را بشنو و ای مهربان دعایم را برآورده کن و ای آمرزنده از لغزشم در گذر، ای خدای من، چه بسیار اندوه‌هایی که از آن گره گشودی و غم‌هایی که از من برداشتی و لغزشی که از آن در گذشتی و چه بسیار مهربانی که آن را گستردی و زنجیر بلایی که آن را گشودی.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ وَ اَمِیْنِكَ وَ صَفِیِّكَ وَ حَبِیْبِكَ وَ خَیْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ حَافِظِ سِرِّكَ، وَ مُبْلِغِ رِسَالَتِكَ اَفْضَلَ وَ اَحْسَنَ وَ اَجْمَلَ وَ اَكْمَلَ وَ اَزْكٰی وَ اَنْمٰی وَ اَطْيَبَ وَ اَطْهَرَ وَ اَسْنٰی وَ اَكْثَرَ مَا صَلَّیْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ اَنْبِیَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ اَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَیْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

خدایا، درود بفرست بر محمد: بنده‌ات، فرستاده‌ات، امانتدارت، برگزیده‌ات، یارت، بهترین آفریده‌ات، نگاهدار رازت، رساننده پیام‌هایت. [درودی که] برترین، بهترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، بالنده‌ترین، خوب‌ترین، پاکیزه‌ترین، بلندترین و بیشترین درودی باشد که فرستاده‌ای و برکت داده‌ای و مهربانی کرده‌ای و مهر ورزیده‌ای و سلام داده‌ای بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل بخشش از آفریدگان.



الدَّرْسُ الثَّانِي



﴿اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾

الْعَلَقِ: ٣ و ٤

بخوان که پروردگارت گرامی‌ترین است، همو که با قلم یاد داد.

كَانَ الطُّلَّابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدَرِّسِ الْكِيمَاءِ، وَكَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يُؤْذِي الطُّلَّابَ بِسُلُوكِهِ، يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَمَزُحُ مَعَ الْآخَرِينَ؛ فَتَنَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَّ فِي سُلُوكِهِ. فَكَّرَ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمُشْكِلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ الْقُضِيَّةَ وَ قَالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِنِشَاءً تَحْتَ عُنْوَانِ «فِي آدَابِ الصَّفِّ»؛ قَالَ لَهُ الْمُعَلِّمُ: عَلَيْكَ أَنْ تُطَالِعَ الْكُتُبَ التَّرْبَوِيَّةَ وَ آدَابَ التَّعْلِيمِ وَالتَّعَلُّمِ. وَ هَذَا مَا كَتَبَهُ مِهْرَانُ حَوْلَ «آدَابِ الصَّفِّ».



... أَلَّفَ عَدَدٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتُبًا فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ

الْأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛ وَ لِلطَّالِبِ آدَابٌ عَلَيْهِ أَنْ يَلْتَزِمَ بِهَا؛ أَهْمُّهَا:

١ أَنْ يَحْتَرِمَ الْآخَرِينَ.

٢ أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ.

٣ الْاجْتِنَابُ عَنْ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْأَدَبِ.

٤ أَنْ لَا يَتَهَرَّبَ مِنْ أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ.

٥ أَنْ لَا يُزَعِّجَ الْآخَرِينَ بِكَلَامِهِ وَ سُلُوكِهِ.

٦ أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَ الْآخَرِينَ، وَ لَا يَسْبِقَهُمْ بِالْكَلَامِ، وَ يَصْبِرَ حَتَّى يَفْرُغُوا مِنَ الْكَلَامِ.

لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبَ إِنْشَاءَ مَهْرَانٍ، حَجَلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.

قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ أَحْمَدُ شَوْقِي عَنِ الْمُعَلِّمِ:

كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا

فَلَمَّ لِلْمُعَلِّمِ وَفِيهِ التَّبَجُّيلُ

يَبْنِي وَ يُنْشِئُ أَنْفُسًا وَ عُقُولًا

أَعْلَمْتَ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الَّذِي

اَلْمُعْجَم

اَجَلٌ	گران قدرتر	تَهَرَّبَ	فرار کرد
اَذَى	اذیت کرد (مضارع: يُؤْذِي)	حَجَلَ	شرمنده شد (مضارع: يَحْجِلُ)
اَزَعَجَ	آزار داد (مُضَارِع: يُزَعِجُ)	سَبَقَ	پیشی گرفت (مضارع: يَسْبِقُ)
اِزْعَاجٌ	آزار رساندن	سُلُوكٌ	رفتار
اِسْتَمَعَ	گوش فرا داد (مضارع: يَسْتَمِعُ)	عَصَى	سرپیچی کرد (مضارع: يَعْصِي)
اِلْتَزَمَ	پایبند شد (مضارع: يُلْتَزِمُ)	فَكَّرَ	اندیشید (مضارع: يُفَكِّرُ)
اِلْتِفَاتٌ	روی برگرداندن	قُمَ	برخیز ← (قَامَ، يَقُومُ)
اِلْتَفَتَ	روی برگرداند (مضارع: يَلْتَفِتُ)	كَادَ	نزدیک بود که (مضارع: يَكَادُ)
اَلْفَ	نگاشت (مضارع: يُؤَلِّفُ)	مَجَالَ	زمینه
اَلْكُتُبُ التَّرْبَوِيَّةُ	کتاب‌های تربیتی	مُشَاغِبٌ	شلوغ کننده و اخلا لگر
اَنْشَأَ	ساخت (مضارع: يُنْشِئُ)	وَفَّى	کامل کرد (مضارع: يُؤَفِّي) «وَفَّهِ التَّبَجِيلُ: احترامش را کامل به جا بیاور.»
تَارَةً	یک بار = مَرَّةً		
تَبَجَّلَ	بزرگداشت		

أَكْتُبْ جَوَاباً قَصِيراً، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- إِلَى مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟

٢- مَتَى خَجَلَ الطَّالِبُ وَ نَدِمَ؟

٣- كَيْفَ يُؤْذِي الطَّالِبُ الْآخَرِينَ؟

٤- مَا هُوَ مَوْضُوعُ الْكُتُبِ الَّتِي قَرَأَهَا مِهْرَانُ؟

٥- فِي أَيِّ صَفٍّ حَدَّثَتْ هَذِهِ الْقِصَّةُ؟





أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

■ مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ، ما و إِنَّ». معمولاً این ادوات بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد، فعل اول، فعل شرط و فعل دوم، جواب شرط نام دارد. این ادوات در معنای فعل و جواب شرط تغییراتی را ایجاد می‌کنند؛ مثال:

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ، يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَايَا^۱.

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

إِنْ تَحْتَرِمُوا الْآخَرِينَ، تَكْتَسِبُوا حُبَّهُمْ.

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

■ گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است؛ مثال:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۲ الْطَّلَاق: ۳

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

■ وقتی ادوات شرط بر سر جمله‌ای بیاید که فعل شرط و جواب آن ماضی باشد، می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم.

مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُهُ.



هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود.

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید، خطایش کم شد.

۱- معمولاً ادوات شرط «مَنْ»، «ما» و «إِنْ» در شکل ظاهری فعل شرط و جواب شرط (هنگامی که مضارع هستند)، تغییراتی را انجام می‌دهند. با این تغییرات در پایه نهم در فعل نهی آشنا شده بودید. این کلمات، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلْ، تَفْعَلْ، أَفْعَلْ و تَفْعَلْ» را تغییر می‌دهند. ﴿... يَفْعَلْ، ... تَفْعَلْ، ... أَفْعَلْ و ... تَفْعَلْ﴾ و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلْنَ، تَفْعَلُونَ، تَفْعَلْنَ، أَفْعَلُونَ و أَفْعَلْنَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۳- حَسْبُ: بس، کافی

۲- يَتَوَكَّلْ: توکل کند

■ و هرگاه فعل شرط مضارع باشد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

■ «مَنْ: هرکس» مثال:



مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا، يَصِلْ إِلَى هَدَفِهِ.

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.

■ «مَا: هرچه» مثال:



مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی.

مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ، وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.

هرچه از کارهای نیک انجام بدهی، آنها را اندوخته‌ای برای آخرت می‌یابی.

■ «إِنْ: اگر» مثال:



إِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا، تَحْصُدُ سُرورًا.

اگر نیکی بکاری، شادی درو می‌کنی.



إِنْ صَبَرْتَ، حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ.

اگر صبر کنی، در زندگیت موفقیت به دست می‌آوری.

■ «إِذَا: هرگاه، اگر»؛ نیز معنای شرط دارد؛ مثال:



إِذَا اجْتَهَدْتَ، نَجَحْتَ.

هرگاه (اگر) تلاش کنی، موفق می‌شوی.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمَ مَا يَلِي،^١ ثُمَّ عَيَّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفَعَلَ الشَّرْطَ، وَ جَوَابُهُ.

﴿وَمَا تَقْدِمُوا^٢ لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ الْبَقَرَةُ: ١١٠



﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ^٣ أَقْدَامَكُمْ﴾ مُحَمَّدٌ: ٧

﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^٤﴾ الْفُرْقَان: ٦٣

﴿إِنْ تَزْرَعُوا الْعُدُونَ، تَحْصُدُوا الْخُسْرَانَ.﴾

١- ما يَلِي: آنچه می آید ٢- ما تَقْدِمُوا: هرچه را از پیش بفرستید ٣- يُثَبِّت: استوار می سازد

٤- خَاطَبَ: خطاب کرد ٥- سَلَام: سخن آرام

التمرين الأول: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- ﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٧٣ (الْمَجْرُورَ يَحْرِفِ جَرٌّ)

٢- مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مَن عَمِلَ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (اسْمُ الْفَاعِلِ)

٣- النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا^٢. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ وَ مُفْرَدُهُ)

٤- إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْفَاعِلُ)

٥- الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا^٣. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

٦- قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَمُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا^٤. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (اسْمُ الْمَكَانِ وَاسْمُ الْفَاعِلِ)



٤- وَ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا: اِجْرَاهُ فَرْمَانْدَه بَاشِي

٣- اَلْمَيِّت: مُرْدَه

٢- جَهْل: نَدَانِسْت

١- اَلْأَجْر: پاداش ، مزد

التمرینُ الثانی: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الماضي	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمَصْدَر
قَدْ أَنْقَذَ:	يُنْقِذُ: نجات می دهد	أَنْقِذْ:	إِنْقَاذ: نجات دادن
إِبْتَعَدَ:	لَا يَبْتَغِدُ: دور نمی شود	لَا تَبْتَغِدْ:	إِبْتِعَاد: دور شدن
إِنْسَحَبَ: عقب نشینی کرد	سَيَنْسَحِبُ:	لَا تَنْسَحِبْ:	إِنْسِحَاب: عقب نشینی کردن
اسْتَحْدَمَ: به کار گرفت	يَسْتَحْدِمُ:	اسْتَخْدِمْ: به کار بگیر	اسْتِحْدَام:
جالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جالِسْ:	مُجَالَسَة:
تَذَكَّرَ: به یاد آورد	يَتَذَكَّرُ:	لَا تَتَذَكَّرْ:	تَذَكُّر: به یاد آوردن
تَعَايَشَ:	يَتَعَايَشُ:	تَعَايَشْ: همزیستی کن	تَعَايِش: همزیستی کردن
قَدْ حَرَّمَ: حرام کرده است	يُحَرِّمُ: حرام می کند	لَا تُحَرِّمْ:	تَحْرِيم:

التمرين الثالث: صَعِّ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ نَاجِحَاتٌ / هُذَانِ الْمُكَيِّفَانِ / تِلْكَ الْحِصَّةُ / أُولَئِكَ مُسْتَمِعُونَ / هُؤْلَاءِ جُنُودٌ / هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

التمرين الرابع: صَعِّ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (= ≠)

وُدٌ / بَعْدَ / تَكَلَّمَ / اجْلَسَ / نِهَايَةً / عَدَاوَةٌ / احْتِرَامٌ / أَحْيَاءٌ / مَرَّةً / نَفَعَ / ذَنْبٌ / هَرَبَ

إِثْمٌ =	تَبَجُّيلٌ =	تَارَةً =	حُبٌّ =
فَرٌّ =	أَمْوَاتٌ ≠	دَنَا ≠	قُمْ ≠
ضَرٌّ ≠	بِدَايَةٌ ≠	سَكَتٌ ≠	صَدَاقَةٌ ≠

الْتَّمَرِينَ الْخَامِسُ: اكْمِلْ تَرْجَمَةَ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱- ﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۹۷

و آنچه را از کار نیک ، خدا آن را می‌داند. (از آن آگاه است).

۲- ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ الْإِسْرَاءُ: ۷

اگر نیکی کنید، به خودتان

۳- ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ الْأَنْفَالُ: ۲۹

اگر از خدا پروا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل

۴- إِذَا غَضِبْتُ، فَاسْكُتْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرگاه ،

۵- مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرکس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش

الْتَّمَرِينَ السَّادِسُ: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

۱- هُوَ تَحْرِيكُ الْوَجْهِ إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الْيَسَارِ. ☐ الْمُشَاغِبُ

۲- هُوَ الَّذِي يُسَبِّبُ مَشَاكِلَ وَ يَضُرُّ النَّظْمَ. ☐ التَّبْجِيلُ

۳- مَا يُعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوَظَّفٍ. ☐ الْفُسُوقُ

۴- تَرَكُ أَمْرِ اللَّهِ، وَ ارْتِكَابُ الْمَعَاصِي. ☐ الْأَجْرُ

۵- أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ وَ أَخْلَاقُهُ. ☐ الْإِلْتِفَاتُ

☐ السُّلُوكُ

التَّمرينُ السَّابعُ: اكتب مُفْرَدَ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

مَعَاصِي	أَخْلَاق	أَنْفُس	أَحْيَاء	أَمْوَات
.....				
جُنُود	بِطَاقَتَانِ	نَاجِحَات	أَعْدَاء	طُلَّاب
.....				
خَوَاص	أَقْدَام	قَسَاتِين	أَسْعَار	ذُنُوب
.....				
عُيُوب	عُيُوب	أَسْمَاء	سَرَائِل	مَلَاعِب
.....				
إِخْوَان	عِبَاد	بِهَائِم	أَفَاضِل	كَبَائِر
.....				
تَرَائِب	جُمَل	أَعْمَال	مُسْتَمِعُونَ	مُكَيِّفَانِ
.....				

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ فِي كِتَابِ «مُنِيَّةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ
حَوْلَ آدَابِ التَّعْلِيمِ وَ التَّعَلُّمِ ثُمَّ اكْتُبْهُ.



أَلْعَالِمُ كَمَنْ مَعَهُ شَمْعَةٌ تُضِيءُ لِلنَّاسِ. أَلْإِمَامُ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ





الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾

الأنعام: ٩٥

بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.
زنده را از مُرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مُرده از زنده است.

ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ، وَالْآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ:



الْعَنْبُ الْبِرَازِيلِيُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ
بَاقِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تَنْبُتُ فِي الْبِرَازِيلِ،
وَ تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جُذُعِهَا، وَ مِنْ أَهَمِّ
مُوصَافَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطِي أَثْمَارًا
طَوَّلَ السَّنَةِ.



شَجَرَةُ السُّكُوبَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ
الْعَالَمِ فِي كَالِيفُورْنِيَا، قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا
أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ وَ قَدْ يَبْلُغُ قُطْرُهَا تِسْعَةَ
أَمْتَارٍ، وَ يَزِيدُ عُمُرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ
خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِيبًا.



شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي
جُزْرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي، تَحْمِلُ أَثْمَاراً فِي
نَهَائَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ
هَذِهِ الْأَثْمَارِ.

شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبَلَّغَ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ. تَوْجَدُ غَابَاتُ
جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَتَيِ إِيْلَامَ وَ لُرِسْتَانِ. يَدْفِنُ السَّنَجَابُ بَعْضَ جَوْزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ
تَحْتَ التُّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.



قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

﴿إِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أَطْيَبَ مِنْهُ.﴾

کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلالتر
و خوبتر از آن انجام نداده‌اند.

الْمُعْجَم

مغز میوه	لُب	حلال تر، حلال ترین	أَحَلَّ
اقیانوس آرام	الْمُحِيطُ الْهَادِئُ	خوب تر، خوب ترین = أَحْسَن، أَفْضَل	أَطْيَب
کهن سال	مُعَمَّر	شاخه ها «مفرد: غُصْن»	أَغْصَان، غُصُون
ویژگی ها	مُواصَفَات	تنه «جمع: جُذوع»	جَذَع
روید (مضارع: يَنْبُتُ)	نَبَتَ	جزیره ها «مفرد: جَزِيرَة»	جُزُر
توصیف می کنیم	نَصِفُ	دانه گردو، بلوط و مانند آن	جَوْرَة
هسته	نَوَى	شکافنده	فَالِق



ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي إِيْلَامٍ وَ لُرِستَانِ.
- ۲- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السَّكُويَا أَكْثَرَ مِنْ مِثْرٍ.
- ۳- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَارًا فِي نِهَآيَةِ كَالْخُبْزِ.
- ۴- نَتَمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبَرَاذِلِيِّ عَلَى شَجَرَتِهِ.

إِعْلَمُوا

الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكْرَةُ

- اسم معرفه اسمی است که نزد گوینده و شنونده، یا خواننده شناخته شده است؛ اما اسم نکره، ناشناخته است. مهم‌ترین نشانه اسم معرفه، داشتن «ال» است؛ مثال:
 جاءَ مُدَرِّسٌ: معلّمی آمد. جاءَ الْمُدَرِّسُ: معلّم آمد.
 وَجَدْتُ قَلَمًا. قلمی را یافتم. وَجَدْتُ الْقَلَمَ. قلم را یافتم.

- معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود، می‌توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد؛ مثال:
 رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا.
 اسب‌هایی را دیدم. آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند.



کلمهٔ افراساً «نَکَرَه» است. اسم نکره نزد گوینده، شنونده، یا خواننده ناشناخته است؛ اسم نکره معمولاً تنوین (ـَ، ـِ، ـُ) دارد؛ مثال: رَجُلًا، رَجُلٍ و رَجُلٌ در زبان فارسی اسم نکره به سه صورت می‌آید:

مردی آمد. / یک مرد آمد. / یک مردی آمد.

معادل عربی هر سه جمله بالا می‌شود: جاءَ رَجُلٌ.

■ اسم خاص (یعنی نام مخصوص کسی یا جایی) در زبان عربی «اسم عَلَم» نامیده می‌شود و معرفه به شمار می‌رود؛ مانند: هاشم، مریم، بغداد، بیروت و ...

اسم عَلَم، مانند: عَبَّاسٌ، کاظِمٌ و حُسَیْنٌ تنوین دارد، ولی نکره نیست؛ بلکه معرفه است.

■ سال گذشته با مبتدا و خبر آشنا شدید. گاهی خبر تنوین دارد؛ مثال:

الْعِلْمُ كَنْزٌ. دانش گنج است. فَرِيقُنَا فَائِزٌ. تیم ما برنده است.

در دو مثال بالا كَنْزٌ و فَائِزٌ تنوین دارند؛ اَمَّا نیازی به نکره معنا کردن نیست.

١ ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نَوْرِهِ كَمِشْكَاةٍ ۚ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ ٢
النُّور: ٣٥



٢ ﴿... أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ...﴾ ٣
الْمَزَّمَل: ١٥ و ١٦

٣ عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (في الملعب)

اللاعب ^٢	المراسل ^١
شكراً جزيلاً	أهنيك ^٣ بفوز الفريق الوطني ^٤ .
نحن نشعر بالسُّرور و نتمنى على كأسِ المباريات ^٥ .	ما شعور اللاعبين بهذا الفوز؟
نحن نلعب بكلِّ حماس ^٦ و نتعاون خلال المباراة.	و ما سرُّ فوز الفريق في هذه المباراة ^٧ ؟
نشكرُ المُدرِّب ^٨ و الحَكَمَ ^٩ و نهنيُّ الشعبَ و نطلبُ منهمُ الدعاءَ للفوزِ في المباراة القادمة.	و هل عندك حديثٌ آخر؟



٣- أهنيُّ: تبریک می‌گویم
٦- مُباراة: مسابقه
٩- الحَكَم: داور

٢- اللاعب: بازیکن
٥- المباريات: مسابقات
٨- مُدرِّب: مربی

١- مراسل: خبرنگار
٤- الفريق الوطني: تیم ملی
٧- حماس: شور و شوق، غیرت، هیجان

التَّمرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- مِسَاحَةٌ مِنَ الْأَرْضِ، حَوْلَهَا الْمَاءُ مِنْ كُلِّ جِهَةٍ.
- ٢- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا.
- ٣- الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمْرًا طَوِيلًا.
- ٤- صِفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ.
- ٥- سَاقُ الشَّجَرِ.

التَّمرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- مَا مِنْ^١ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا^٢ فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.

(الْجَارُ وَالْمَجْرُورَ، وَاسْمُ الْفَاعِلِ)



- ٢- مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ.

(الْفِعْلُ الْمَاضِي، وَالْمَفْعُولُ)

- ٣- سَأَلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعُ زَرْعِهِ صَاحِبُهُ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ، وَالْفَاعِلُ)

١- مَا مِنْ: هِيَج ... نِيَسْت ٢- غَرْس: نِهَال

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ الثَّالِيَةِ حَسَبَ الصُّورِ.



فِي أَيِّ بِلَادٍ تَقَعُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ؟



بِمَ يَذْهَبُ الطُّلَابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟



لِمَنْ هَذَا التَّمَثَالُ؟



كَيْفَ الْجَوُّ فِي أَرْدَبِيلِ فِي الشِّتَاءِ؟



مَاذَا تُشَاهِدُ فَوْقَ النَّهْرِ؟



هَلْ تُشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ؟

ألف: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

١- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا.

☐ صدای عجیب را شنیدم.

☐ صدای عجیبی را شنیدم.

٢- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ.

☐ به روستا رسیدم.

☐ به روستایی رسیدم.

٣- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي

☐ نگاه به گذشته

☐ نگاهی به گذشته

٤- الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ

☐ بندگانِ درستکار

☐ بندگانِ درستکار

٥- السُّوَارُ الْعَتِيقُ

☐ دستبندی کهنه

☐ دستبندِ کهنه

٦- التَّارِيخُ الدَّهَبِيُّ

☐ تاریخ زرین

☐ تاریخی زرین

ب: تَرْجِمِ الْجَمَلَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النَّكِرَةَ فِي مَا أُشِيرَ^١ إِلَيْهِ بِخَطٍّ.



سَجَلَتْ مُنَظَّمَةُ الْيُونِسكو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ^٢.



عِمَارَةُ خُسْرُو آبَاد فِي سَنَدَجِ تَجَذُّبُ سِيَاحًا^٣ مِنْ مُدُنِ إِيْرَان. حَديقَةُ شاهزاده قُرْبِ كِرْمَانِ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ.



مَعْبَدُ كَرْدْگِلَا^٤ فِي مُحَافَظَةِ مازَنْدَرَانِ أَحَدُ الْآثَارِ الْقَدِيمَةِ.

١- أُشِيرَ: اشاره شد

٢- قَائِمَةُ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: لیست میراث جهانی

٣- سَيَاح: گردشگران، مفرد آن: سائح

٤- تَكِيَّة كَرْدْ گِلَا از آثار ملی ایران در شمال شهرستان جویبار

التَّمرينُ الخامسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

الْفِعْلُ الْمَاضِي	الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَر	اسْمُ الْفَاعِلِ
وَافَقَ	يُوافِقُ ☐	وَافِقُ ☐	تَوَفِيقُ ☐	مُوافِقُ ☐
	يُوفِّقُ ☐	وَفِّقُ ☐	مُوافِقَةٌ ☐	مُوفِّقُ ☐
تَقَرَّبَ	يُقَرِّبُ ☐	قَرَّبُ ☐	تَقَرُّبُ ☐	مُقَرِّبُ ☐
	يَتَقَرَّبُ ☐	تَقَرَّبُ ☐	تَقَرِّبُ ☐	مُتَقَرِّبُ ☐
تَعَارَفَ	يَتَعَرَّفُ ☐	تَعَارَفَ ☐	مُعَارَفَةٌ ☐	مُتَعَارِفُ ☐
	يَتَعَارَفُ ☐	اعْرِفُ ☐	تَعَارُفُ ☐	مُعَرِّفُ ☐
اشْتَغَلَ	يَسْتَغِلُ ☐	اشْتَغِلَ ☐	اِشْغَالُ ☐	مُسْتَغِلُ ☐
	يَشْتَغِلُ ☐	اِشْغَلُ ☐	اِشْتَغَالَ ☐	مُنْشَغِلُ ☐
انْفَتَحَ	يَفْتَحُ ☐	انْفَتَحَ ☐	اِسْتِفْتاحُ ☐	مُتَفَتِّحُ ☐
	يَنْفَتِحُ ☐	تَفْتَحُ ☐	اِنْفِتاحُ ☐	مُنْفَتِّحُ ☐
اسْتَرْجَعَ	يَسْتَرجِعُ ☐	اسْتَرْجِعُ ☐	اِزْجَاعُ ☐	مُسْتَرجِعُ ☐
	يَرْجِعُ ☐	راجِعُ ☐	اِسْتِرجاعُ ☐	مُرْجِعُ ☐
نَزَلَ	يُنْزِلُ ☐	اِنْزِلُ ☐	نُزُولُ ☐	مُنْزِلُ ☐
	يُنْزِلُ ☐	نَزَلَ ☐	تَنْزِيلُ ☐	نازِلُ ☐
أَكْرَمَ	يُكْرِمُ ☐	أَكْرِمُ ☐	إِكْرَامُ ☐	أَكْرَمُ ☐
	يُكْرِمُ ☐	كَرِّمُ ☐	تَكْرِيمُ ☐	مُكْرِمُ ☐

التَّمرِينُ السَّادِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

١- يُسَافِرُ كَثِيرٌ مِّنَ الْ..... إِلَى إِيرَانَ كُلِّ عَامٍ. □ أَغْصَانُ □ سُيَاحٌ □

٢- وَضَعْتُ الْمِصْبَاحَ فِي الْبَيْتِ. □ تَخْفِيزٌ □ مِفْتَاحٌ □ مِشْكَاةٌ □

٣- جَدِّي لَا بَعْضَ ذِكْرِيَاتِهِ. □ يَغْرِسُ □ يَتَذَكَّرُ □ يَنْبُتُ □

٤- شَارَكَ زُمْلَاؤُنَا فِي عِلْمِيَّةٍ. □ مُبَارَاةٌ □ غَرْسٌ □ بُذُورٌ □

٥- بَدَأَ الْ..... بِتَعْلِيمِ الرِّيَاضِيِّينَ. □ فَوْزٌ □ مُدَرِّبٌ □ ثُرَاتٌ □

التَّمرِينُ السَّابِعُ: اُكْتُبْ جَمَعَ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ.

سَائِحٌ = أَثَرٌ = تَارِيخٌ = قَرْيَةٌ =

عَبْدٌ = دَوْلَةٌ = بَهِيمَةٌ = مَلْعَبٌ =

رَسُولٌ = سِرْوَالٌ = عُصْنٌ = شَجَرٌ =

زَيْتٌ = حَيٌّ = قَبْرٌ =

الف: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ الْمَعْنَى)

- ١- بُذُورُ النَّبَاتَاتِ ☐ جَوَازُتُ الْبَلُوطِ ☐ جِدَارُ الْعِمَارَةِ ☐ جُدُوعُ الْأَشْجَارِ ☐
- ٢- مَدِينَةٌ ☐ بَهِيمَةٌ ☐ قَرْيَةٌ ☐ مُحَافَظَةٌ ☐
- ٣- شُرْطِي ☐ حَبَّاز ☐ حَدَاد ☐ ذِكْرِي ☐
- ٤- سِيَاج ☐ آلَاف ☐ مِئَات ☐ عَشَرَات ☐

ب: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النِّكْرَةِ)

- ١- تِمْنَال ☐ إِيْلَام ☐ سَنَدَج ☐ كِرْمَانِشَاه ☐
- ٢- السُّيَّاح ☐ شَارِعْ ☐ السَّاحَةِ ☐ الْمُنْظَمَةِ ☐
- ٣- سَعِيدٌ ☐ سِنَجَابْ ☐ مَحْمُودٌ ☐ صَادِقٌ ☐
- ٤- فَاطِمَةٌ ☐ زَهْرَاء ☐ مَعْصُومَةٌ ☐ إِمْرَأَةٌ ☐

■ اِبْحَثْ عَنْ نَصِّ حَوْلَ اَهْمِيَّةِ زِرَاعَةِ الْاَشْجَارِ.





الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾

الأحزاب: ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.

آدَابُ الْكَلَامِ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ الأحزاب: ٧٠

لِلْكَلامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَ يَدْعُو الْمُخَاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعَنُّتٍ.

﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ النحل: ١٢٥
وَ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ الْقَائِلُ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُغَيِّرَ سُلُوكَهُمْ،

﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (الصَّف: ٢)

وَ يَجِبُ أَنْ يُسَلِّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ

«السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

كَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ لَيِّنًا وَ أَنْ يَكُونَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمِيعِينَ، لِكَيْ يُفْنِعَهُمْ وَ يَكْسِبَ مَوَدَّتَهُمْ،

«كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ،

وَ «عَوَّدَ لِسَانَكَ لِهَيْلِ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ،

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء: ٣٦)

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعْرِضُ نَفْسَهُ

لِللُّثْمِ؛



«إِتَّقُوا مَوَاضِعَ الثُّهَمِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلْمَتَكُمْ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ.

«تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ **مُحِبُّوهُ** تَحْتَ لِسَانِهِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ.

«رَبُّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَرَبُّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ.

«فَكَّرْتُمْ تَكَلَّمْ تَسْلَمْ مِنَ **الزَّلِيلِ**». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْاجْتِنَابُ عَنْ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا احْتِمَالُ الْكِذْبِ.

«**لَا تُحَدِّثْ** بِمَا تَخَافُ تَكْذِيبُهُ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

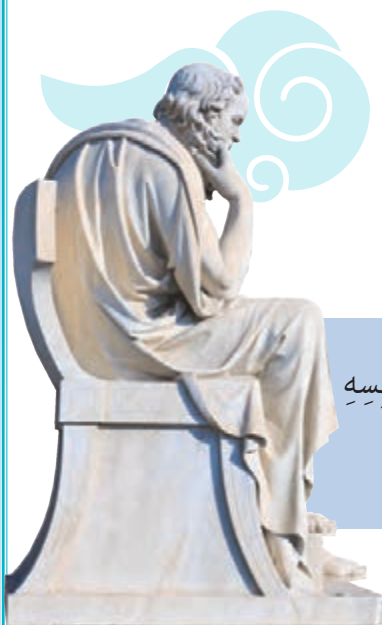
طوبى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ.

«مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ». رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

وَمِنْ آدَابِ الْكَلَامِ **قِلَّتُهُ**،

«خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَقَفَّ رَجُلٌ جَمِيلُ الْمَظْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطٍ يَفْتَخِرُ بِمَلَابِسِهِ
وَبِمَظْهَرِهِ، فَقَالَ لَهُ سُقْرَاطُ: تَكَلَّمْ حَتَّى أَرَكَ.



الْمُعْجَمُ

كَلَّمَ	سخن گفت = حَدَّثَ، تَكَلَّمَ (مضارع: يُكَلِّمُ)
لَا تُحَدِّثُ	سخن نگو (حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)
لَا تَقْفُ	پیروی نکن (قَفَا، يَقْفُو)
لِكَي يُقْنِعَ	تا قانع کند (أَقْنَعَ، يُقْنِعُ)
لَيْنَ	نرم ≠ خَشِنَ
لِين	نرمی ≠ خُشُونَةٌ
مَخْبُوءٌ	پنهان = خَفِيَ
يُعَرِّضُ	در معرض می‌گذارد (ماضی: عَرَّضَ)
أَدْعُ	فرا بخوان (دَعَا، يَدْعُو)
أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ	که دخالت نکند (تَدَخَّلَ، يَتَدَخَّلُ)
تُهُمٌ	تهمت‌ها «مفرد: تُهُمَةٌ»
زَلَلٌ	لغزش
سَدِيدٌ	درست و استوار
طَوْبَى لـ	خوشا به حالِ
عَوْدٌ	عادت داد (مضارع: يُعَوِّدُ)
قِلَّةٌ	کمی ≠ کَثْرَةٌ



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقَعُ فِي خَطَا.
- ۲- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ.
- ۳- عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْآخَرِينَ بِلِسَانِنَا.
- ۴- الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنَهُ.
- ۵- لَا نُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ.



الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ

■ معمولاً هنگامی که بعد از اسمی **نکره** فعلی بیاید که درباره آن اسم نکره توضیح دهد، در ترجمه به فارسی بعد از آن اسم حرف ربط «که» می آید و فعل، مطابق شرایط جمله ترجمه می شود؛ مثال:

شاهدنا **سِنْجَاباً** يَقْفِزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ.

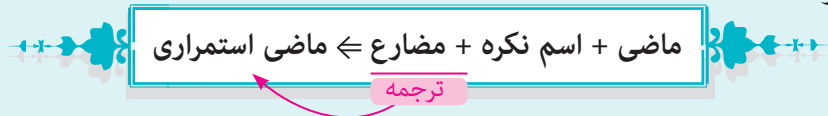
سنجابی را دیدیم **که** از درختی به درختی می پرید.



رَأَيْتُ **وَلَدًا** يَمْشِي بِسُرْعَةٍ.

پسری را دیدم **که** به سرعت راه می رفت.

■ عبارت (رَأَيْتُ وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ) از دو جمله تشکیل شده، و بعد از اسم **نکره** «وَلَدًا» **فعل مضارع** آمده است که درباره «وَلَدًا» توضیح می دهد؛ در ترجمه فارسی بین دو جمله، حرف ربط «که» می آید و **فعل مضارع** نیز معمولاً **ماضی استمراری** ترجمه می شود.



■ اما اگر فعلِ اوّل مضارع باشد، ترجمه فعل دوم چگونه خواهد بود؟ به مثال دقت کنید.

أُقْتِشُّ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ.

دنبال فرهنگ لغتی می‌گردم که مرا در فهم متون کمک کند. (کمک می‌کند)

أُشَاهِدُ طَالِبًا يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ.

دانش‌آموزی را می‌بینم که تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد.

مضارع + اسم نکره + مضارع ⇐ مضارع التزامی یا مضارع اخباری

ترجمه



■ اکنون به ترجمه جمله زیر دقت کنید.

إِشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ.

امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. (دیدم)

ماضی + اسم نکره + ماضی ⇐ ماضی بعید یا ماضی ساده

ترجمه

تذکر: ترجمه هنر است و باید در ترجمه به مطالب بسیاری مانند موضوع متن، قرائن و قواعد زبان مقصد توجه کرد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ^۱ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ^۲ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ

مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ^۳ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (مِنْ تَعْقِيبَاتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ)

۳- لَا تَرْفَعُ: بالا برده نمی‌شود

۲- لَا يَخْشَعُ: فروتنی نمی‌کند

۱- لَا تَشْبَعُ: سیر نمی‌شود

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: اِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي آيَاتِ نَصِّ الدَّرْسِ وَ أَحَادِيثِهِ بِكَلِمَاتٍ صَحِيحَةٍ.

عِلْمٌ ، النَّارِ ، عُقُولِهِمْ ، الْحَسَنَةِ ، أَحْسَنُ ، لِسَانِهِ ، تَفْعَلُونَ

١- ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي

هِيَ﴾ النَّحْلُ: ١٢٥

٢- ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ﴾ الْإِسْرَاءُ: ٣٦

٣- ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا﴾ الصَّف: ٢

٤- كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- تَكَلَّمُوا تُعَرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

٦- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ





التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ **لِفَحْشِهِ**^١. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)

٢- أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٣- أَلْعِلْمُ نَوْراً وَ ضِياءٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيائِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(الْمُبْتَدَأُ وَ الْفَاعِلُ)

٤- قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ **مُرّاً**^٢. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(فِعْلُ الْأَمْرِ وَ الْمَفْعُولُ)

٥- لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

(الْمُضَارِعُ الْمَنْفِيُّ وَ فِعْلُ النَّهْيِ)





الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ.

يُجَادِلُ / مِثَّتَانِ / تَعْلِيمِ / حَفَلَاتِ / أَفْلَامِ / إِمْرَأَةً / مُعَمَّرَةً / مَوَاقِفِ / تِلْمِيزِ / رَائِحَةً
حَاسِبِ / أَبْنَاءِ / أَلْفَانِ / أَزْهَارِ / أَسَاوِرِ / إِغْصَارِ / تَبْجِيلِ / سَاحَاتِ / مُرَاسِلِ

رمز ↓

☐	☐	☐	☐	☐	گرامی داشتن	(۱)
☐	☐	☐	☐	☐	کهنسال	(۲)
☐	☐	☐	☐	☐	ستیز می کند	(۳)
☐	☐	☐	☐	☐	یاد دادن	(۴)
☐	☐	☒	☐	☐	ایستگاه ها	(۵)
☐	☐	☒	☐	☐	جشن ها	(۶)
☐	☐	☒	☐	☐	دانش آموز	(۷)
☐	☐	☒	☐	☐	زن	(۸)
☐	☐	☒	☐	☐	بو	(۹)
☐	☐	☐	☐	☐	دو هزار	(۱۰)
☐	☐	☐	☐	☐	گردباد	(۱۱)
☐	☐	☐	☐	☐	خبرنگار	(۱۲)
☐	☐	☐	☐	☐	میدان ها	(۱۳)
☐	☐	☐	☐	☐	دویست	(۱۴)
☐	☐	☒	☐	☐	فیلم ها	(۱۵)
☐	☐	☒	☐	☐	رایانه	(۱۶)
☐	☐	☒	☐	☐	دستبندها	(۱۷)
☐	☐	☒	☐	☐	فرزندان	(۱۸)
☐	☐	☒	☐	☐	شکوفه ها	(۱۹)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

« »

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنْ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

- ١- أَفْقِرُ ☐ أَلْبَبُ ☐ النَّوَى ☐ السَّعَرُ ☐
- ٢- أَلَيْدُ ☐ أَلرَّأْسُ ☐ أَلْقَدَمُ ☐ أَلْسِيَاغُ ☐
- ٣- أَلِإِثْمُ ☐ أَلذَّنْبُ ☐ أَلْحَكَمُ ☐ أَلْخَطِيئَةُ ☐
- ٤- أَلثَّغَلْبُ ☐ أَلْكَلْبُ ☐ أَللَّيْنُ ☐ أَلذُّنْبُ ☐
- ٥- أَلزُّيُوتُ ☐ أَلْمُدْرَبُ ☐ أَلْعَامِلُ ☐ أَلْمُوظَّفُ ☐
- ٦- أَلسَّرُوَالُ ☐ أَلْقَمِيصُ ☐ أَلْفُسْتَانُ ☐ أَلسَّمَكَ ☐

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- سَافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صُورَتَهَا أَيَّامَ صِغَرِي. (الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ وَالْمَفْعُولَ)

٢- عَصَفْتُ رِيَا حَ شَدِيدَةً حَرَبْتُ بَيْتًا جَنْبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ. (الْمَفْعُولَ وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٣- وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا^١ يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ. (الْمَفْعُولَ وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٤- أَلِكِتَابُ صَدِيقٍ يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ. (الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ)

٥- يُعْجِبُنِي عِيدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ. (الْجَمْعَ الْمَكْسَّرَ وَ نَوْنَ الْوَقَايَةِ)



التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيَّنِ الْبَيْتَ الْفَارِسِيَّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْآيَةِ أَوْ الْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.



۱- ﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ الْحُجُرَات: ۱۱

۲- عَوِّذْ لِسَانَكَ لِيْنَ الْكَلَامِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۳- فَكَّرْتُمْ تَكَلَّمْ تَسَلَّمْ مِنَ الزَّلَلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۴- أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- تَكَلَّمُوا تُعْرِفُوا؛ فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الف) تا مرد سخن ن گفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد (مدی شیرازی)

ب) سخن کان از سر اندیشه ناید نوشتن را و گفتن را نشاید (نظامی گنجوی)

ج) به شیرین زبانی و لطف و خوشی توانی که پیلی به مویی کشی (مدی شیرازی)

د) خلایق را به القابی که زشت است نخواند هر که او نیکو سرشت است (مدی الهی قمی)

ه) آن کس که به عیب خلق پرداخته است زان است که عیب خویش نشناخته است (امثال و حکم دوجلد)



التمرين السابع: اكتب مفرد الكلمات التالية.



رياح	زُيوت	أَساور	ساحات	أولياء	مَوَاضِع
نُصوص	تُهُم	آداب	مُخاطَبينَ	عُقول	أَقوال



التمرين الثامن: ضع المُرادفاتِ وَ المُضاداتِ فِي الفراغِ المُناسبِ. (= ≠)

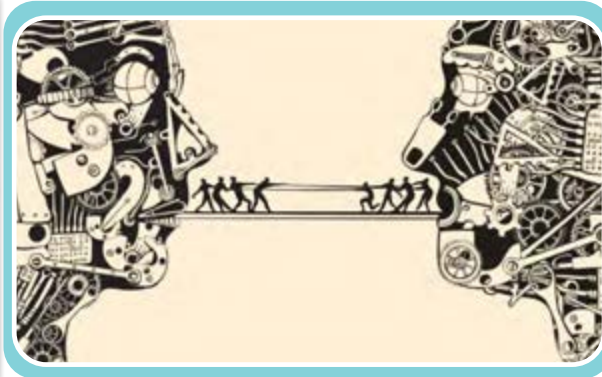


لَيِّن / شاطِئ / جَزِيل / إئِمْ / صِغَر / تَبْجِيل / ضِياء / مَخْبِوء / كَلَمَ / تُرْفَعُ / سَدِيد / مَوَدَّة

كثير =	حَسَن ≠	دَنَب =	ساحِل =
تَكَرِيم =	كَبِر ≠	مَسْتَوِر =	سَكَّت ≠
حُب =	نور =	صَحِيح =	تُنْزَل ≠

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ خَمْسِ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثٍ حَوْلَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.



﴿... وَجَعَلْنَاهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ ...﴾ [الأنعام: ١٢٢]

﴿... إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى ...﴾ [الأحقاف: ٣٠]

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا ...﴾ [الأنبياء: ٧٣]

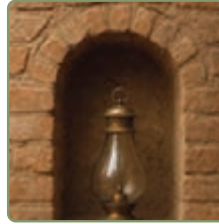
- ١-
- ٢-
- ٣-
- ٤-
- ٥-



(لِلتَّمَرِينَ فِي الْمَنْزِلِ) أَكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ.



١- الثَّعْلَبُ ٢- الْفَرَسُ ٣- الذِّئْبُ ٤- الْكَلْبُ



١- الْمِفْتَاحُ ٢- السَّبُورَةُ ٣- الْمِشْكَاةُ ٤- الْمِيزَانُ



١- الْرُمَانُ ٢- الْعِنَبُ ٣- التَّقْفَاحُ ٤- التَّمْرُ



١- الرُّجَاجَةُ ٢- الْمِصْبَاحُ ٣- الْكُرَّةُ ٤- السَّوَارُ



الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

الزُّمَر: ٣

بی گمان خدا کسی را که دروغگو و بسیار کافر است راهنمایی
نمی کند.



الْكَذْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

جاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.
فَقَالَ ﷺ: لَا تَكْذِبْ.

وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ :

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ، وَ تَدَبُّكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ
بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ.

إِذَنْ فَكُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَ مَعَ الْآخَرِينَ فِي الْحَيَاةِ،

وَ لَا تَهْرُبْ مِنَ الْوَاقِعِ أَبَدًا،

فَإِنْ هَرَبْتَ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ تُوَاجِهْ مَشَاكِلَ وَ صُعُوبَاتٍ كَثِيرَةً،

وَ تُضْطَرُّ إِلَى الْكَذْبِ عِدَّةَ مَرَّاتٍ،

وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَتَبَيَّنُ كَذْبُكَ لِلْآخَرِينَ،

فَتَفْشَلُ فِي حَيَاتِكَ.

وَ هَذِهِ قِصَّةٌ قَصِيرَةٌ تُبَيِّنُ لَكَ نَتِيجَةَ الْكَذْبِ:

قَرَّرَ أَرَبَعُهُ طُلَّابٌ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ،

فَاتَّصَلُوا بِالْأُسْتَاذِ هَاتِفِيًّا وَ قَالُوا لَهُ:
أَحَدُ **إِطَارَاتِ** سَيَّارَتِنَا انْفَجَرَ، وَ لَيْسَ لَنَا **إِطَارٌ** **اِخْتِيَاظِيٌّ**،
وَ لَا تَوْجَدُ سَيَّارَةٌ تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ،
وَ نَحْنُ الْآنَ فِي الطَّرِيقِ بَعِيدُونَ عَنِ الْجَامِعَةِ،
وَ لَنْ نَسْتَطِيعَ الْحُضُورَ فِي الْإِمْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ **الْمُحَدَّدِ**.
وَافَقَ الْأُسْتَاذُ أَنْ **يُؤَجَّلَ** لَهُمُ الْإِمْتِحَانُ لِمُدَّةِ أُسْبُوعٍ وَاحِدٍ،
فَفَرَحَ الطُّلَّابُ بِذَلِكَ؛ لِأَنَّ **خُطَّتَهُمْ** **لِتَأْجِيلِ** الْإِمْتِحَانِ نَجَحَتْ.
فِي الْأُسْبُوعِ التَّالِي حَضَرُوا لِلإِمْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ **الْمُحَدَّدِ**،
وَ طَلَبَ الْأُسْتَاذُ مِنْهُمْ أَنْ يَجْلِسُوا فِي قَاعَةِ الْإِمْتِحَانِ،
ثُمَّ **وَزَعَ** عَلَيْهِمْ أَوْرَاقَ الْإِمْتِحَانِ.



لَمَّا نَظَرُوا إِلَى الْأَسْئَلَةِ، تَعَجَّبُوا لِأَنَّهَا كَانَتْ هَكَذَا:	
١	لِمَاذَا انْفَجَرَ الْإِطَارُ؟
٢	أَيُّ إِطَارٍ مِنْ سَيَّارَتِكُمْ انْفَجَرَ؟
٣	فِي أَيِّ طَرِيقٍ وَقَعَ هَذَا الْحَادِثُ؟
٤	مَا هُوَ تَرْتِيبُ جُلُوسِكُمْ فِي السَّيَّارَةِ؟
٥	كَيْفَ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَحْلُوا مُشْكِلَتَكُمْ؟
٦	كَمْ كَانَتِ السَّاعَةُ عِنْدَ انْفِجَارِ الْإِطَارِ؟
٧	مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَسُوقُ السَّيَّارَةَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ؟
٨	هَلْ تَضْمَنُ أَنْ يُجِيبَ أَصْدِقَاؤُكَ مِثْلَ إِجَابَتِكَ؟

خَجَلَ الطُّلَابُ وَنَدِمُوا وَاعْتَذَرُوا مِنْ فِعْلِهِمْ،

نَصَحَهُمُ الْأُسْتَاذُ وَ قَالَ:

مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحْ.

عَاهَدَ الطُّلَابُ أَسْتَاذَهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبُوا،

وَ قَالُوا لَهُ نَادِمِينَ:

تَعَلَّمْنَا دَرَسًا لَنْ نَنْسَاهُ أَبَدًا.



الْمُعْجَم

أَجَلَ	به تأخیر انداخت (مضارع: يُؤَجِّلُ / مصدر: تَأْجِيل) = أَخَّرَ	عَاهَدَ	پیمان بست (مضارع: يُعَاهِدُ)
إِضْطَرَّ	ناگزیر کرد (مضارع: يَضْطَرُّ) / تَضَطَّرَ: ناگزیر می شوی	عِدَّة	چند
إِطَارَ	تایر، چارچوب	فَشَلَ	شکست خورد (مضارع: يَفْشَلُ)
إِطَارًا احتیاطی	چرخ یدکی	قَرَّرَ	قرار گذاشت (مضارع: يُقَرِّرُ)
تَبَيَّنَ	آشکار شد (مضارع: يَتَبَيَّنُ)	كُنْ	باش
خُطَّة	نقشه، برنامه «جمع: خُطَطٌ»	لَنْ	حرف نشانه آینده منفی
زاویة	گوشه «جمع: زَوَايا»	مُحَدَّد	مشخص شده
ساق	رانندگی کرد (مضارع: يَسوقُ)	مَقَالَ	گفتار = قَوْل، کلام
صُعُوبَة	سختی ≠ سهوَلَة	نَدَب	فرا خواند (مضارع: يَنْدُبُ)
صَمِنَ	ضمانت کرد (مضارع: يَصْمِنُ)	وَاجَهَ	روبه رو شد (مضارع: يُوَاجِهُ)
		وَزَعَ	پخش کرد (مضارع: يُوزِعُ)

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- هَلْ وَاقَفَ الْأُسْتَاذُ أَنَّ يُوجَلَّ الْإِمْتِحَانُ لِلطُّلَابِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ؟

۲- مَاذَا قَالَ الرَّجُلُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حِينَ جَاءَ إِلَيْهِ؟

۳- مَا قَالَ الطُّلَابُ لِأُسْتَاذِهِمْ نَادِمِينَ؟

۴- مَنْ قَالَ «مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحْ»؟

۵- كَيْفَ اتَّصَلَ الطُّلَابُ بِالْأُسْتَاذِ؟

۶- لِمَاذَا فَرِحَ الطُّلَابُ؟



تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

■ حروف «أَنْ: که» و «گي، لِ، لَگي، حَتَّى: تا، برای اینکه» بر سر فعل مضارع می آیند و در معنای آن تغییر ایجاد می کنند؛ فعل هایی که دارای این حروف اند، در فارسی «مضارع التزامی» ترجمه می شوند؛ مثال:

يَحْكُمُ: داوری می کند	حَتَّى يَحْكُمَ: تا داوری کند
يُحَاوِلُونَ: تلاش می کنند	أَنْ يُحَاوِلُوا: که تلاش کنند
تَفْرَحُونَ: شاد می شوید	لَگي تَفْرَحُوا: تا شاد شوید
يَجْعَلُ: قرار می دهد	لِيجْعَلَ: تا قرار بدهد
يَذْهَبْنَ: می روند	گي يَذْهَبْنَ: تا بروند

■ فعل مضارع دارای «لَنْ» معادل «آینده منفی» در زبان فارسی است؛ مثال:

تَنَالُونَ: دست می یابید	لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت
--------------------------	----------------------------------

۱- این حروف که حروف ناصبه نام دارند در انتهای فعل مضارع تغییراتی را ایجاد می کنند. از همین رو نشانه انتهای فعل های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و تَفْعَلُ» را تغییر می دهند.
 ﴿... يَفْعَلُ، ... تَفْعَلُ، ... أَفْعَلُ و ... تَفْعَلُ﴾
 و حرف نون را در انتهای فعل های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ، تَفْعَلُونَ و تَفْعَلِينَ» حذف می کنند این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی کنند.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْحَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

١ ﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢١٦

٢ مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ.
الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣ ﴿... أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٤



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (فِي الصِّدَالِيَّةِ^١)

الصِّدَالِي	الْحَاجُّ
وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ: مِحْرَارٌ ^٢ ، حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ لِلصُّدَاعِ، حُبُوبٌ مُهْدِئَةٌ، كِبْسُولٌ أَمْبِيَسِيلِينِ، قُطْنٌ ^٤ طِبِّيٌّ، مَرَهَمٌ ^٥ لِحَسَّاسِيَّةِ الْجِلْدِ ^٦ ... لَا بَأْسَ، وَلَكِنْ لَا أُعْطِيكَ أَمْبِيَسِيلِينِ.	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ عَفْوًا، مَا عِنْدِي وَصْفَةٌ وَأُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَّةَ ^٢ الْمَكْتُوبَةَ عَلَى الْوَرَقَةِ.
لِأَنَّ بَيْعَهَا بِدُونِ وَصْفَةٍ غَيْرُ مَسْمُوحٍ. رَجَاءً، رَاجِعْ ^٧ الطَّبِيبَ؛ الشِّفَاءُ مِنَ اللَّهِ.	لِمَاذَا لَا تُعْطِينِي؟



٣- الْمِحْرَارُ: دماسنج

٦- الْجِلْدُ: پوست

٢- الْأَدْوِيَّةُ: داروها، مفرد: الدواء

٥- مَرَهَمٌ: پماد

١- الصِّدَالِيَّةُ: داروخانه

٤- الْقُطْنُ: پنبه

٧- رَاجِعْ: مراجعه کن

التمرين الأول: أَيْ فِعْلٍ مِنْ أَفْعَالٍ مُعْجَمِ الدَّرْسِ يُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- شَاهَدَ وَجْهًا لَوَجْهٍ.

٢- ظَهَرَ وَ صَارَ وَاضِحًا.

٣- لَمْ يَنْجَحْ بَلْ خَسِرَ.

٤- أَعْطَاهُ عَهْدًا وَ قَوْلًا بِأَنْ يَفْعَلَ شَيْئًا.

٥- قَرَّرَ أَنْ يَفْعَلَ مَا قَصَدَهُ مَعَ التَّأْخِيرِ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- لَا تَسْتَشِيرْ^١ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ^٢ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعِدُ^٣ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَالِيًا (أَلْكَلِمَاتِ الْمُتَضَادَّةِ وَ اسْمِ الْمُبَالَغَةِ)

٢- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِأَحْتِيَالِهِ^٤. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَالِيًا (أَفْعَالِ)

٣- لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَالِيًا (فِعْلَ النَّهْيِ)

٢- يُقَرِّبُ: نَزْدِيكَ مِي سَازَد

١- لَا تَسْتَشِيرْ: بَا ... مَشُورَتِ نَكُن

٤- أَلْأَحْتِيَالِ: فَرِيكَارِي

٣- يُبْعِدُ: دُور مِي سَازَد



الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- | | | | | |
|------------------------------------|------------------------------------|-----------------------------------|--------------------------------------|-------------------------------------|
| ☐ ١- مَقَال | ☐ ٢- كَلَمَ | ☐ ٣- جُذوع | ☐ ٤- يَغْرِسُ | ☐ ٥- أَحْمَر |
| ☐ ١- مَقَال | ☐ ٢- كَلَمَ | ☐ ٣- جُذوع | ☐ ٤- يَغْرِسُ | ☐ ٥- أَحْمَر |
| ☐ ١- مَقَال | ☐ ٢- كَلَمَ | ☐ ٣- جُذوع | ☐ ٤- يَغْرِسُ | ☐ ٥- أَحْمَر |
| ☐ ١- مَقَال | ☐ ٢- كَلَمَ | ☐ ٣- جُذوع | ☐ ٤- يَغْرِسُ | ☐ ٥- أَحْمَر |
| ☐ ١- مَقَال | ☐ ٢- كَلَمَ | ☐ ٣- جُذوع | ☐ ٤- يَغْرِسُ | ☐ ٥- أَحْمَر |



الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

(فَعَلَ الْأَمْرَ)

١- ﴿...فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...﴾ الْأَعْرَافُ: ٨٧

(الْمُضَافَ إِلَيْهِ)

٢- ﴿... يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ الْفَتْحُ: ١٥

٣- ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْأَحْزَابُ: ٤٣

(الْجَارُّ وَالْمَجْرُورُ)

(الْفِعْلَ الْمَاضِي)

٤- ﴿... لِكَيْلَا^٢ تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ^٣ ...﴾ آلْ عِمْرَانُ: ١٥٣

(الْفِعْلَ الْمُضَارِعَ)

٥- ﴿لَنْ تَنَالُوا^٤ الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...﴾ آلْ عِمْرَانُ: ٩٢

١- يُصَلِّي: درود می فرستد ٢- لِكَيْلَا: لِكَي+لا ٣- فَاتَ: از دست رفت ٤- لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت



التَّمرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

- ١- اجْلِسْ عَلَى الْكُرْسِيِّ:
- ٢- تَجْلِسُ مَعَ زَمِيلِكَ:
- ٣- اصْبِرْ لِكَيْ يَجْلِسَ:
- ٤- جَالِسٌ خَيْرَ النَّاسِ:
- ٥- لَا تَجْلِسُوا هُنَاكَ:
- ٦- لَنْ يَجْلِسَ هُنَا:
- ٧- أُريدُ أَنْ أَجْلِسَ:
- ٨- رَجَعْنَا لِنَجْلِسَ:



التَّمرِينُ السَّادِسُ: اكْتُبْ مُفْرَدَ الْجُمُوعِ التَّالِيَةِ.

أَدْوِيَّة	خُطَط	أَفَاضِل	أَحْيَاء	صُعُوبَات
.....				
أَصْدِقَاء	أَسَاتِذَة	عُيُوب	إِخْوَان	أَعْمَال
.....				
أَسْئَلَة	أَسَابِيع	إِجَابَات	طُلَّاب	أَخْلَاق
.....				

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةٍ قَصِيرَةٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ قُبْحِ الْكِذْبِ وَ عَاقِبَتِهِ السَّيِّئَةِ.





تَعَلَّمْ كُلَّ لُغَةٍ فَتُحَتَّ إِلَى عَالَمٍ جَدِيدٍ.

یادگیریِ هر زبانی، دریچه‌ای به سوی جهانی نوین است.

آته ماري شيمِل



تُعَدُّ الدُّكْتُورَةُ «آته ماري شيمِل» مِنْ أَشْهَرِ الْمُسْتَشْرِقِينَ.

وُلِدَتْ فِي «أَلْمَانِيَا» وَ كَانَتْ مُنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ

مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَ هِيَ مُعْجَبَةٌ بِإِيرَانَ.

كَانَ عُمْرُهَا خَمْسَةَ عَشَرَ عَامًا حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ

العَرَبِيَّةِ.

حَصَلَتْ عَلَى شَهَادَةِ الدُّكْتُورَاهِ فِي الفَلَسَفَةِ وَ الدِّرَاسَاتِ^١ الإِسْلَامِيَّةِ وَ هِيَ فِي التَّاسِعَةِ عَشْرَةَ

مِنْ عُمْرِهَا؛ تَعَلَّمَتِ اللُّغَةَ التُّرْكِيَّةَ وَ أَصْبَحَتْ مُدْرِسَةً فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ.

كَانَتْ شيمِل تَدْعُو الْعَالَمَ الْعَرَبِيَّ الْمَسِيحِيَّ لِفَهْمِ حَقَائِقِ الدِّينِ الإِسْلَامِيِّ وَ الإِطْلَاعِ عَلَيْهِ.

وَ هَذَا الْعَمَلُ رَفَعَ شَأْنَهَا فِي جَامِعَاتِ الدُّوَلِ الإِسْلَامِيَّةِ،

فَحَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ مِنْ جَامِعَاتِ السُّنْدِ وَ إِسْلَامْ أَبَادَ وَ بِيشَاوَرِ وَ قُونِيَّةَ وَ طَهْرَانَ.

إِنَّمَا تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارْسِيَّةُ وَ الْعَرَبِيَّةُ وَ التُّرْكِيَّةُ وَ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ وَ الْفَرَنْسِيَّةُ وَ الْأُرْدِيَّةُ؛

وَ كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضَرَاتٍ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

فَهِيَ كَانَتْ مِثَالًا لِهَذِهِ الْعِبَارَةِ:

«الْإِنْسَانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إِنْسَانٌ»

أَلَفَتْ شِيمِلْ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةٍ مِنْهَا كِتَابٌ حَوْلَ شَخْصِيَّةِ جَلالِ الدِّينِ البَلْخِيِّ.

هِيَ كَانَتْ تُحِبُّ العَيْشَ فِي الشَّرْقِ، لِذَلِكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً فِي الهِنْدِ وَ بَاكِسْتَانِ،

وَ دَرَسَتْ كَذَلِكَ مَا يُقَارِبُ خَمْسَةَ وَ عِشْرِينَ عَاماً فِي جَامِعَةِ هَارْفَارْدِ.

قَبْلَ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شِيمِلْ زُمْلَاءَهَا أَنْ يُشْكَلُوا فَرِيقاً لِلْحِوَارِ الدِّينِيِّ وَ الثَّقَافِيِّ يَكُونُ هَدَفُهُ

الأَعْلَى «مَدَّ جُسُورِ الصَّدَاقَةِ وَ التَّفَاهُـمِ بَيْنَ أُوْرُوبَا وَ الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ» وَ «الِاتِّحَادَ

بَيْنَ الْحَضَارَاتِ».

أَشَارَتْ شِيمِلْ فِي إِحْدَى مُقَابَلَاتِهَا إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ قَالَتْ:

«أَنَا أَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ الْإِسْلَامِيَّةَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ لَا أَرَا جُزْءَ تَرْجَمَتِهَا».

هِيَ أَوْصَتْ أَنَّهُ مَارِي أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ عَلَى قَبْرِهَا:



«النَّاسُ نِيَامُ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا».

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الْمُعْجَم

مدرک	شَهَادَة	زبان اردو	أُرْدِيَّة
به شمار آورد، شمرد (مضارع: يَعُدُّ)	عَدَّ	اشاره کرد (مضارع: يُشِيرُ)	أَشَارَ
افتخاری	فَخْرِيَّة	انداخت (مضارع: يُلْقِي) كانت تُلقِي مُحَاضَرَةً: سخنرانی می کرد	أَلْقَى
فرانسوی	فَرَنْسِيَّة	انگلیسی	إِنْجِلِيزِيَّة
نزدیک شد «ما يُقَارِبُ: نزدیک به»	قَارَبَ	آنکارا	أَنْقَرَةَ
سخنرانی	مُحَاضَرَة	سفارش کرد (مضارع: يوصي)	أَوْصَى
کشید، گسترش داد	مَدَّ	فرهنگی «ثقافة: فرهنگ»	ثَقَافِي
خاورشناس	مُسْتَشْرِق	به دست آورد (مضارع: يَحْضُلُ)	حَصَلَ عَلَى
شیفته (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ)	مُعْجَبَةٌ بِـ	تمدن	حَضَارَة
مصاحبه	مُقَابَلَة	دکتر	دُكْتَوْرَة
از هنگام	مُنْذُ	تشکیل داد (مضارع: يُشَكِّلُ)	شَكَّلَ

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

۲- أَيُّ حَدِيثٍ كُتِبَ عَلَى قَبْرِ شَيْمِلِ؟

۳- کَمْ كِتَابًا وَ مَقَالَةً اَلْفَتْ شِیْمِل؟

۴- بِمَاذَا اَوْصَتْ شِیْمِل زُمَلَاءَهَا؟

۵- اَیْنِ وُلِدَتْ شِیْمِل؟



تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

■ حروف «لَمْ، لَ، لا» بر سر فعل‌های مضارع می‌آیند و معنای آن را تغییر می‌دهند.

■ حرف «لَمْ» فعل مضارع را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می‌کند؛ مثال:

يَسْمَعُ: می‌شنود لَمْ يَسْمَعْ: نشنید، نشنیده است

تَذْهَبُونَ: می‌روید لَمْ تَذْهَبُوا: نرفتید، نرفته‌اید

تَكْتُبْنَ: می‌نویسید لَمْ تَكْتُبْنَ: ننوشتید، ننوخته‌اید

■ حرف «لِ امر» بر سر فعل مضارع به معنای «باید» است و چنین فعلی معادل «مضارع التزامی» در فارسی می‌باشد؛ مثال:

تَرْجِعْ: برمی‌گردیم لِنَرْجِعْ: باید برگردیم

يَعْلَمُونَ: می‌دانند لِيَعْلَمُوا: باید بدانند

■ در کتاب عربی پایه نهم با حرف «لای نهی» بر سر فعل مضارع مخاطب (دوم شخص) آشنا شدید؛ مثال:

تَيَاسُ: ناامید می‌شوی لَا تَيَاسُ: ناامید نشو

تُرْسِلُونَ: می‌فرستید لَا تُرْسِلُوا: نفرستید

همین حرف «**لای** نهی» اگر بر سر سایر ساخت‌های فعل مضارع بیاید، به معنای «نباید» و معادل «**مضارع التزامی**» منفی در فارسی است؛ مثال:

یُسَافِرُونَ: سفر می‌کنند **لا یُسَافِرُوا:** نباید سفر کنند

■ حروف «**لَمْ**، **لِ**، **لا**» در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد می‌کنند.^۱

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْحَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.

۱ ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ التَّوْبَةُ : ٤٠

۲ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ الرَّعْدُ : ١١

۳ ... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چند نکته:

■ **نکته (۱):** فعل نهی همان فعل مضارع است.

■ **نکته (۲):** ترجمه فعلی مانند «لِيَعْلَمُوا» فقط در جمله و در متن امکان‌پذیر است؛

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف جازمه نام دارند)، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفَعَّلَ، أَفْعَلَ و نَفَعَلَ» را تغییر می‌دهند. ﴿... يَفْعَلُ، ... تَفَعَّلَ، ... أَفْعَلَ و ... نَفَعَلَ﴾ و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلَانِ، تَفَعَّلُوا، تَفَعَّلَانِ و تَفَعَّلِيْنَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفَعَّلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

مثال:

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ.

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه‌هایشان موفق شوند.
قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْأَمْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَّابَ لِيَتَعَلَّمُوا دُرُوسِهِمْ فَلْيَعْلَمُوا ذَلِكَ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون‌ها دانش‌آموزان را برای یادگیری درس‌هایشان کمک می‌کند و باید این را بدانند و بر آنان لازم است که از آن نترسند.

■ **نکته (۳):** حرف «لِ» بر سر ضمیرها به «لَ» تبدیل می‌شود؛ مثال:

لَهُ، لَهَا، لَهُمْ، لَهُنَّ، لَهُمَا، لَكَ، لَكِ، لَكُمْ، لَكُنَّ، لَكُما، لَنَا.

در «لی» این گونه نیست.

■ **نکته (۴):** تاکنون با دو نوع حرف «لِ» آشنا شده‌اید، یکی بر سر اسم (ضمیر نیز اسم محسوب می‌شود) و دیگری بر سر فعل مضارع می‌آید؛ تشخیص معنای هر یک فقط داخل متن امکان دارد:

- ۱- «لِ» به معنای «مال، از آن» مانند «لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ؟»؛ یعنی «آن سیم‌کارت مال کیست؟»
«لِ» به معنای «برای» مانند «اشْتَرَيْتُ حَقِيْبَةً لِلْسَّفَرِ»؛ یعنی «چمدانی برای سفر خریدم».
«لِ» به معنای «داشتن» مانند «لِي شَهَادَةٌ فِي الْحَاسِبِ»؛ یعنی «مدرک رایانه دارم».
- ۲- «لِ» به معنای «باید» مانند «لِنَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ یعنی «باید به خدا توکل کنیم».
- «لِ» به معنای «تا» مانند «ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَّةً لِجَوَالِي»؛ یعنی «به مغازه رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

حرف «لِ» پس از حرف‌هایی مانند «و، فَ» معمولاً ساکن می‌شود؛ مثال:

فَ + لِ + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهد.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ.

١ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ الْفَاتِحَةُ: ٢

٢ بُعِثَ النَّبِيُّ ﷺ لِيَهْدِيَ النَّاسَ.

٣ لِنَسْتَمِعَ إِلَى الْكَلَامِ الْحَقِّ.

٤ لِمَنْ هَذِهِ الْجَوَازَاتُ؟

اَلتَّمَارِينُ

اَلتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

١- كَانَتْ شَيْمِلُ مِنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِالشَّرْقِ وَ بِإِيرَانِ.

٢- اَلدُّكْتُورَاهُ هِيَ شَهَادَةٌ تُعْطَى لِشَخْصٍ تَقْدِيرًا لِجُهُودِهِ فِي مَجَالٍ مُعَيَّنٍ.

٣- إِنَّ ثَانِي أَكْبَرَ مَدِينَةٍ فِي تُرْكِيَا بَعْدَ إِسْطَنْبُولِ.

٤- اَلشَّعْبُ اَلْبَاكِسْتَانِيُّ يَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ

٥- اَللُّغَةُ الرِّسْمِيَّةُ فِي بَرِيطَانِيَا



التَّمرينُ الثَّاني: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى.

- ١- الْأُسْبُوعُ ☐ الشَّهْرُ ☐ الثَّقَافَةُ ☐ السَّنَةُ ☐
- ٢- الْأُرْدِيَّةُ ☐ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ ☐ الْفَرَنْسِيَّةُ ☐ الْفَخْرِيَّةُ ☐
- ٣- الرَّمِيلُ ☐ الْقَمِيصُ ☐ الصَّدِيقُ ☐ الْحَبِيبُ ☐
- ٤- الْقَرْيَةُ ☐ الْمَدِينَةُ ☐ الْبِلَادُ ☐ النَّيَامُ ☐
- ٥- الشَّهَادَةُ ☐ الطُّفُولَةُ ☐ الصَّغَرُ ☐ الْكِبَرُ ☐
- ٦- الْقِطْ ☐ الرَّمَّانُ ☐ التُّفَاحُ ☐ الْعِنَبُ ☐



التَّمرينُ الثَّالِثُ: اِقْرَأِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ااخْتِمْ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

- ١- ﴿... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آل عمران: ١٢٢
 (الف) مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند. ☐
 (ب) مؤمنان فقط به خدا توکل می کنند. ☐
- ٢- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...﴾ الْحَجُّرَات: ١٤
 بادیه نشینان گفتند: ...
 (الف) ... «ایمان می آوریم.» بگو: «ایمان نمی آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می مانیم.» ☐
 (ب) ... «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم.» ☐

۳- ﴿أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ الزُّمَر: ۵۲

- (الف) آیا ندانسته‌اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می‌گستراند؟ ☐
- (ب) آیا نمی‌دانند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، فراوان می‌کند؟ ☐

۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ * لَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

سُورَةُ الْإِخْلَاصِ

بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی‌نیاز است ...

- (الف) ... نمی‌زاید و زاده نمی‌شود و کسی همانندش نیست. ☐
- (ب) ... نزاده و زاده نشده و کسی برایش هم‌تا نبوده است. ☐

۵- ﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ * مِنْ جُوعٍ * وَآمَنَهُمْ * مِنْ خَوْفٍ﴾

سُورَةُ قُرَيْشٍ

پس پروردگار این خانه را...

- (الف) ... می‌پرستند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد. ☐
- (ب) ... باید بپرستند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد. ☐



۳- الْكُفُو: هم‌تا

۲- وَلَدَ: زایید (مضارع: يَلِدُ)

۱- الصَّمَدُ: بی‌نیاز

۶- آمَنَ: ایمن کرد، ایمان آورد

۵- الْجُوعُ: گرسنگی

۴- أَطْعَمَ: خوراک داد



التمرين الرابع: صَع فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- تُسَمَّى مَظَاهِرُ التَّقْدُمِ فِي مَيَادِينِ الْعِلْمِ وَالصَّنَاعَةِ وَالْأَدَبِ مِهْرَجَانًا ☐ حَضَارَةً ☐
- ٢- أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ فِي حَدِيثِهِ إِلَى فَضَائِلِ أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلَ. أَشَارَ ☐ أَثَارَ ☐
- ٣- هِيَ الْقِيَمُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ. الشَّهَادَةِ ☐ الثَّقَافَةِ ☐
- ٤- أَلْقَى أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ حَوْلَ شَيْمِلَ. مُحَاضَرَةً ☐ مُسْجَلًا ☐
- ٥- هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَعْمَلُ مَعَكَ. الرِّمِيلَ ☐ الْمِصْفَاؤَ ☐



التمرين الخامس: اِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- عَلَيْكَ بِالْمُحَاوَلَةِ، وَ فِي حَيَاتِكَ. أَنْ تَيَاسَّ ☐ كَي تَيَاسَّ ☐ لَا تَيَاسَّ ☐
- ٢- أَنَا فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ ☐ لَمْ أُسَافِرَ ☐ لِكَي أُسَافِرَ ☐
- ٣- أُريدُ إِلَى سَوْقِ الْحَقَائِبِ. أَنْ أَذْهَبَ ☐ لَمْ أَذْهَبَ ☐ إِنْ أَذْهَبَ ☐
- ٤- هُوَ إِلَى الْمَلْعَبِ غَدًا. لَنْ يَرْجِعَ ☐ مَا رَجَعَ ☐ لَمْ يَرْجِعَ ☐
- ٥- مَنْ يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. لَا يَجْتَهِدُ ☐ لَا يَجْتَهِدُ ☐ يَجْتَهِدُ ☐



التَّمَرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.



۱- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. أَلِإِمَامُ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۴- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَلِإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أَلِإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

- | | |
|---|---|
| الف) کم کوی و کزیده کوی چون دُر | تا زانک توجان شود پُر (نظامی گنجای) |
| ب) علم کز اعمال نشانیش نیست | کالبدی دارد و جانیش نیست (امیر خسرو دهلوی) |
| ج) اندازہ نگہ دار که اندازہ نکوست | هم لایق دشمن است و هم لایق دوست (سعدی) |
| د) روزگار است آن که که عزت دهد که خوار دارد | چرخ بازیگر ازین بازیچه بسیار دارد (قائم مقام فراهانی) |
| ه) آسایش دو کیتی تفسیر این دو حرف است | با دوستان مروت با دشمنان مدارا (حافظ) |
| و) دشمن دانا که غم جان بود | بہتر از آن دوست که نادان بود (نظامی گنجای) |



التَّمرينُ السَّابعُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

(أَنْقَرَةَ / الْإِنْجِلِيزِيَّةَ / الْحَضَارَةَ / فَخْرِيَّةُ / مُنْذُ / الْمُسْتَشْرِقُ / مُحَاضَرَةٌ / شَهَادَاتِ)

١- مَا رَأَيْتُ جِرَانِي يَوْمَ الْخَمِيسِ.

٢- نَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ مِنْ الصَّفِّ السَّابِعِ.

٣- أَلْقَى الْأُسْتَاذُ ثَقَافِيَّةً أَمَامَ الطُّلَابِ.

٤- كَانَتْ السُّومِرِيَّةُ فِي جَنُوبِ الْعِرَاقِ.

٥- أَلْذِكْتُورَاهُ مِنْ أَعْلَى التَّخْصُصِ فِي الْجَامِعَاتِ.

٦- إِنَّ عَالِمَ مِنَ الدُّوَلِ الْعَرَبِيَّةِ عَارِفٌ بِالثَّقَافَةِ الشَّرْقِيَّةِ.





لِلتَّمَرِينِ فِي الْمَنْزِلِ أَكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ.



١- الشَّارِع ٢- الْجِسْر ٣- الْغَابَةِ ٤- الشَّاطِئُ



٥- الْمُسْجَل ٦- الْحَاسُوب ٧- الْحَقِيَّة ٨- الْبَطَّارِيَّة



٩- الْقَمِيص ١٠- الْفُسْتَان ١١- السَّرْوَال ١٢- الْعَبَاءَة



١٣- الْمِحْرَار ١٤- الْحُبُوب ١٥- الشَّرَاب ١٦- الْقُطْن



١٧- السَّفِينَة ١٨- الطَّائِرَة ١٩- الْحَافِلَة ٢٠- سَيَّارَة أُجْرَة



الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ *

خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ الرَّحْمَنُ: ١ تا ٤

خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن گفتن را به او آموخت.

تأثير اللغة الفارسية على اللغة العربية



الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسيَّةُ دَخَلَتِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مُنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ، فَقَدْ نُقِلَتْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَلْفَاظٌ فَارِسيَّةٌ كَثِيرَةٌ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَ دُخُولِ الْإِيرَانِيِّينَ فِي الْعِرَاقِ وَالْيَمَنِ، وَ كَانَتْ تِلْكَ الْمُفْرَدَاتُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ الْبَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ كَالْمِسْكِ وَ الدِّبَاجِ. وَ اشْتَدَّ الثَّقُلُ مِنَ الْفَارِسيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إِيْرَانِ إِلَى الدَّوْلَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ.

وَ فِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ اِزْدَادَ نَفوذُ اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ. وَ كَانَ لِابْنِ الْمُفَفِّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأْثِيرِ، فَقَدْ نَقَلَ عَدَدًا مِّنَ الْكُتُبِ الْفَارِسيَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ، مِثْلُ كَلِيلَةِ وَ دِمْنَةِ. وَ لِفِيْرُوزِآبَادِيٍّ مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ الْقَامُوسِ يَضُمُّ مُفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. وَ قَدْ بَيَّنَّ عُلَمَاءُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارِسيَّةِ أَبْعَادَ هَذَا التَّأْثِيرِ فِي دِرَاسَاتِهِمْ، فَقَدْ أَلَّفَ الدُّكْتُورُ

التونجي كتاباً يَضُمُّ الكَلِمَاتِ الْفَارِسِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ سَمَاهُ «مُعْجَمَ الْمُعَرَّبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ».

أَمَّا الْكَلِمَاتُ الْفَارِسِيَّةُ الَّتِي دَخَلَتِ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصَوَاتُهَا وَ أَوْزَانُهَا، وَ نَطَقَهَا الْعَرَبُ وَفَقاً لِأَلْسِنَتِهِمْ، فَقَدْ بَدَّلُوا الْحُرُوفَ الْفَارِسِيَّةَ الَّتِي لَا تَوْجَدُ فِي لُغَتِهِمْ إِلَى حُرُوفٍ قَرِيبَةٍ مِنْ مَخَارِجِهَا؛ مِثْلُ:

پَرْدِيس ← فِرْدَوْس، مِهْرگان ← مِهْرَجَان، چادُرشَب ← شَرَشَف و ...

وَ اسْتَقْفُوا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى، مِثْلُ «يَكْنِزُونَ» فِي آيَةِ ﴿...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ...﴾ مِنْ كَلِمَةِ «گنج» الْفَارِسِيَّةِ.

عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ تَبَادُلَ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ، وَ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ؛ كَانَ تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْثِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ، وَ أَمَّا بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ فَقَدْ زِدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بِسَبَبِ انْتِشَارِ الْإِسْلَامِ وَ الثَّقَافَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ. وَ اسْتِخْدَامُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْعِلْمِ وَ الدِّينِ وَ الْإِدَارَةِ.

الْمُعْجَم

افزایش یافت (مضارع: يَزْدَادُ)	إِزْدَادَ	شرکت کرد (مضارع: يُشَارِكُ)	شَارَكَ
شدّت گرفت (مضارع: يَشْتَدُّ)	إِشْتَدَّ	عربی شده	مُعَرَّبَ
برگرفت (مضارع: يَشْتَقُّ)	إِشْتَقَّ	واژگان	مُفْرَدَات
پیوستن (انضمَّ، يَنْضُمُ)	إِنْضِمَام	مُشْك	مِسْك
آشکار کرد (مضارع: يُبَيِّنُ)	بَيَّنَ	بر زبان آورد (مضارع: يَنْطِقُ)	نَطَقَ
دگرگون شد (مضارع: يَتَغَيَّرُ)	تَغَيَّرَ	منتقل کرد (مضارع: يَنْقُلُ)	نَقَلَ
وارد شده	دَخِلَ	بر اساس	وَفَقَاءَ
ابريشم	دِيَبَاجَ	در برمی گیرد (ماضی: صَمَّ)	يَضُمُّ

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

۱- مَنْ هُوَ مُؤَلِّفُ «مُعْجَمِ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ»؟

۲- مَتَى دَخَلَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

۳- أَيُّ شَيْءٍ يَجْعَلُ اللُّغَةَ غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ؟

۴- مَتَى اِزْدَادَ نُفُودُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟

۵- مَا هُوَ الْأَصْلُ الْفَارِسِيُّ لِكَلِمَةِ «كَنَز»؟



مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

■ فعل‌های پرکاربرد «كَانَ، صارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» افعال ناقصه نام دارند.

■ **كان** چند معنا دارد:

- ۱- به معنای «بود»؛ مثال: كَانَ الْبَابُ مُغْلَقًا. در بسته بود.
- ۲- به معنای «است»؛ مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الْأَحْزَاب: ۲۴
بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.
- ۳- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»؛ مثال: كانوا يَسْمَعُونَ: می‌شنیدند.
- ۴- كَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»؛ مثال: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ» و «كَانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به این معناست: «دانش‌آموز شنیده بود».
- ۵- «كَانَ» بر سر «لِ» و «عِنْدَ» معادل فارسی «داشت» است؛ مثال:
كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةً. انگشتر نقره داشتم.
كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.
- مضارع كَانَ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

■ **صارَ و أَصْبَحَ** به معنای «شد» هستند. مضارع صارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ»

است؛ مثال:

﴿... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً﴾ الْحَجَّ: ۶۳

از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می‌شود.

نَظَّفَ ^۲ الطُّلَابُ مَدْرَسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

۲- نَظَّفَ: تمیز کرد

۱- الْمُخْضَرَّة: سرسبز

■ لَيْسَ یعنی «نیست»؛ مثال:

﴿...يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ آل عمران: ۱۶۷

با دهان هایشان چیزی را می‌گویند که در دل هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند دانایتر است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْآيَاتِ.

۱ ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ مريم: ۵۵

۲ ﴿وَأَوْفُوا^۱ بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ الأسراء: ۳۴

۳ ﴿... يَقُولُونَ بِالسِّنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ الْفَتْح: ۱۱

۴ ﴿... أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ الْأَنْعَام: ۵۳

۵ ﴿لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ^۲ لِلْمَسَائِلِينَ﴾ يُونُس: ۷

۶ ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ^۳ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ

بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ آل عمران: ۱۰۳

۳- أَلَفَ: همدل کرد، به هم پیوست

۲- آیات: نشانه‌ها

۱- أَوْفُوا: وفا کنید

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار (في المسجد)

أحمد	حسن
لماذا تُسرِعُ؟	هَذَا أَذَانُ الظُّهْرِ، أَنَا ذَاهِبٌ إِلَى الْمَسْجِدِ لِأُصَلِّيَ ^١ .
إِنْتَظِرْ ^٢ ، أَنَا ذَاهِبٌ مَعَكَ.	تَعَالَ ^٣ لِنَتَوَضَّأْ، ثُمَّ نَذْهَبْ مَعًا.
أَسْرِعْ ^٤ ، الْإِمَامُ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ.	تَعَالَ نَذْهَبْ، أَنَا قَادِمٌ.



١- لِأُصَلِّيَ: برای اینکه نماز بخوانم
٤- لِنَتَوَضَّأْ: تا وضو بگیریم

٢- إِنْتَظِرْ: منتظر باش
٥- أَسْرِعْ: عجله کن

٣- تَعَالَ: بیا

التمرين الأول: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ. ✓ x

١- أَلَمِسْكَ عِطْرٌ يَتَّخِذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزْلَانِ.

٢- أَلَشَّرَشَفُ قِطْعَةُ قُمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى السَّرِيرِ.

٣- أَلْعَرَبُ يَنْطِقُونَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طَبَقَ أَصْلِهَا.

٤- فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِثَالُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتُ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ.

٥- أَلَّفَ الدُّكْتُورُ التُّونَجِي كِتَاباً يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ التُّرْكِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

التمرين الثاني: عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الْفَارِسِيَّةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

١- تَجْرِي الرِّيحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي السُّفُنُ. الف. هر چه پیش آید خوش آید.

٢- أَلْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ. ب. کم گوی و گزیده گوی چون دُر.

٣- أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَ عَصَيْتُمْ أَمْرِي. ج. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.

٤- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ. د. نمک خورد و نمکدان شکست.

٥- أَلَصَّبَرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. ه. از دل برود هر آنکه از دیده رود.

٦- أَلْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. و. بَرَدَ کشتی آنجا که خواهد خدای و گر جامه بر تن دَرَدَ ناخدای

١- تَشْتَهِي: می خواهد، میل دارد

التمرين الثالث: تَرْجِمِ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ.

- ١- لَا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ..... ٧- أَكْتُبْ بِخَطٍّ وَاضِحٍ.....
- ٢- كَانُوا يَكْتُبُونَ رِسَائِلَ..... ٨- سَأَكْتُبُ لَكَ الْإِجَابَةَ.....
- ٣- لَمْ يَكْتُبْ فِيهِ شَيْئًا..... ٩- لَنْ أَكْتُبَ جُمْلَةً.....
- ٤- مَنْ يَكْتُبُ يَنْجَحْ..... ١٠- قَدْ كُتِبَ عَلَى اللَّوْحِ.....
- ٥- يُكْتُبُ مِثْلَ عَلَى الْجِدَارِ..... ١١- أَخَذْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ.....
- ٦- كُنْتُ أَكْتُبُ إِجَابَاتِي.....

التمرين الرابع: ابْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمْلِ.

(اسْمُ الْفَاعِلِ، اسْمُ الْمَفْعُولِ، اسْمُ الْمُبَالِغَةِ، اسْمُ الْمَكَانِ، اسْمُ التَّفْضِيلِ)

- ١- ﴿... يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ...﴾ طه: ١٢٨
- ٢- ﴿... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ نوح: ١٠
- ٣- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ...﴾ الرَّحْمَن: ٤١
- ٤- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٥- إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. الْإِمَامُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٦- يَا رَازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ. مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ



الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ، وَ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

۱- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾ هود: ٤٧

گفت: پروردگارا، من به تو ...

(الف) ... پناه بردم که از تو چیزی بپرسم که به آن علم ندارم. ☐

(ب) ... پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم. ☐

..... الْأِسْمَ النِّكَرَةَ، وَ الْفِعْلَ النَّاقِصَ:

۲- ﴿...وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ النساء: ۳۲

(الف) و از خدا بخشش او را بخواهید؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست. ☐

(ب) و از فضل خدا سؤال کردند، قطعاً خدا به همه چیزها آگاه بود. ☐

..... الْأِسْمَ النِّكَرَةَ، وَ الْفِعْلَ النَّاقِصَ:

۳- ﴿...يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرَاءً﴾ النبأ: ۴۰

روزی که ...

(الف) ... آدمی آنچه را [با]دستانش پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: کاش من خاک بودم. ☐

(ب) ... مرد آنچه را [با]دستش تقدیم کرده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: من همانند خاک شدم. ☐

..... الْفِعْلَ الْمُضَارِعَ، وَ الْفِعْلَ النَّاقِصَ:

٤- كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكُرَّةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعِبِ صَارُوا نَشِيطِينَ.

الف) کودکان در کنار ساحل با توپ بازی می‌کردند و پس از بازی با نشاط شدند. ☐

ب) بچه‌ها در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پر نشاط، خوشحال هستند. ☐

..... الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ الْجَرِّ، وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ:



٥- كُنْتُ سَاكِتًا وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ.

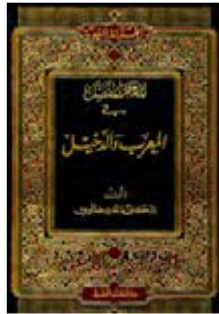
الف) ساکت شدم و کلمه‌ای نمی‌گویم؛ برای اینکه چیزی از موضوع نمی‌دانم. ☐

ب) ساکت بودم و کلمه‌ای نگفتم؛ زیرا چیزی درباره‌ی موضوع نمی‌دانستم. ☐

..... الْمَفْعُولَ، وَ الْجَارَ وَ الْمَجْرُورَ:

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اُكْتُبْ عِشْرِينَ كَلِمَةً مُعَرَّبَةً أَصْلُهَا فَارِسِيٌّ مِنْ أَحَدِ هَذِهِ الْكُتُبِ.



أَيُّهَا الْأَحِبَّاءُ، نَسْتَوِدُّعُكُمْ^١ اللَّهُ، إِلَى اللِّقَاءِ،
سَنَلْتَقِي^٢ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي الصَّفِّ
الثَّانِي عَشَرَ،
نَتَمَنَّى^٣ لَكُمْ النِّجَاحَ، مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



١- نَسْتَوِدُّعُ: می سپاریم ٢- نَلْتَقِي: دیدار می کنیم ٣- نَتَمَنَّى: آرزو می کنیم

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی، در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن (۲) - کد ۱۱۱۲۰۶

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	حمید قلندریان	خراسان رضوی	۲۷	آمنه آقایی نعمتی	شهر تهران
۲	مهدی شفایی	آذربایجان شرقی	۲۸	علی یازلو	گلستان
۳	حکیمه حسن‌زاده جعفری	کرمان	۲۹	مصطفی احمدیناه	سمنان
۴	یوسف فاضل	گلستان	۳۰	محمد داوریناهی	خراسان شمالی
۵	زهره آذری	کردستان	۳۱	محمد مهدی سربلند	خراسان رضوی
۶	یعقوبعلی آقاعلی پور	آذربایجان شرقی	۳۲	علیرضا صیاد	خراسان شمالی
۷	طهمورث سلیمانی	کردستان	۳۳	شهلا اسماعیلیان	اصفهان
۸	شکوفه کمانی	مرکزی	۳۴	حسن علی شریتمدار	سمنان
۹	فاطمه رامشی	کرمانشاه	۳۵	ابراهیم علی دوستی شهرکی	چهارمحال و بختیاری
۱۰	زهره علی‌آبادی	خراسان جنوبی	۳۶	مهستی رایگان	لرستان
۱۱	زهره سالک‌نژاد	فارس	۳۷	اکبر میرکی‌پور	هرمزگان
۱۲	طیبه احمدپور	خراسان جنوبی	۳۸	حسین منصوری	اصفهان
۱۳	فریده ناطق خشنود	گیلان	۳۹	فاطمه عامری	قم
۱۴	سمیره داراخانی	ایلام	۴۰	پانته‌آ امیریانشایی	شهر تهران
۱۵	آذر صدی طاقانکی	چهارمحال و بختیاری	۴۱	عبدالله اخلاصی	قزوین
۱۶	خسرو گروسی	کرمانشاه	۴۲	محمدتقی جهانی مهر	همدان
۱۷	فاطمه‌زهره گندم‌کار	خراسان رضوی	۴۳	هوشنگ جعفردوست	گیلان
۱۸	مرجان کرد	خوزستان	۴۴	رسول خَفر	سیستان و بلوچستان
۱۹	طیبه عباسی	فارس	۴۵	اسکندر حسین‌زاده	شهر تهران
۲۰	سهیلا ملایی یگانه	زنجان	۴۶	سهیلا اکبری	کهگیلویه و بویراحمد
۲۱	معصومه ملکی	شهرستان‌های تهران	۴۷	محمد جدیدی	تهران
۲۲	سیمین پروازیان	اصفهان	۴۸	غلامحسین کسرائی	تهران
۲۳	حکیمه ایرانمنش	هرمزگان	۴۹	سیدمحمدحسن مددی‌الموسوی	مشهد
۲۴	لیلا اسدبرقی	آذربایجان غربی	۵۰	مهدی همتی	قم
۲۵	اسماعیل رسایی	کرمان	۵۱	معصومه حسن‌زاده	تهران
۲۶	سید صدرالدین جنید	مرکزی	۵۲	سیدفخرالدین اسماعیلی سوق	فارس